

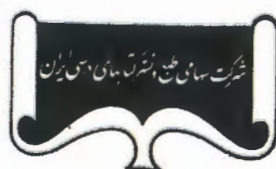
وزارت آموزش و پرورش
تولید و پخش کتابخانه

تاریخ لباس

برای سال ششم خانه داری

تالیف بانوان :

مهم‌نویس: ناهید ثمره - مین بزرگ‌نقش



بها در تمام کشور ۲۷ ریال

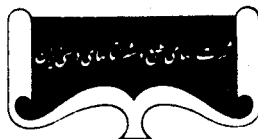
(۲۵)

تاریخ لباس

برای سال ششم خانه داری

تألیف بانوان:

هدهم نضیی - ناسید شمره - مهین بزرگ منش



تسا ریخ لباس

منظور از تاریخ لباس پی بردن لباس ملل مختلف است. از بعضی قرن‌ها حجاری و نقاشی‌های باقیمانده که میتوان از روی آن لباس آن دوره پی برد نوشته های مورخین هم تا حدی باین مطلب کمک میکند. فایده تاریخ لباس تنها از لحاظ تعقیب سیر تاریخ و درك زیبایی مهم است بلکه از نظر روانشناسی آداب و رسوم ملل نیز قابل توجه میباشد ضمناً برای نقاشان - هنرپیشگان و طراحان و کارگردانان فیلم نیز بسیار سودمند است.

راجع لباس مردم ماقبل تاریخ هیچ نوع مدرکی در دست نیست که بتوان جزئیات آنرا مشخص ساخت اما چنین بنظر میرسد که مردم بخصوص زنان بدن خود را بطریقی میپوشانیدند و ستر عورت میکردند. کم کم در مواقع سرما از پوست حیوانات استفاده نموده و در تابستان که پوست حیوان گرم میشد از مواد نباتی و گیاهان استفاده میکردند. بطور کلی احتیاج - تغییرات جوی - محیطی که زندگی میکردند به تغییر لباس کمک موثری نمود. میتوان گفت که کم کم لباس فرم و شکل معینی پیدا کرد و از اینرو مد بوجود آمد. مد چیزی نیست که زن آنرا از خارج اخذ کرده باشد بلکه در وجود او بوده و شاید بتوان گفت منشأ آن همان عشق بزیبائی و زیباپرستی است. لباس امروزی ما هم زائیده مد سالهای گذشته است. راجع به یکی از نویسنده ها چنین اظهار عقیده میکند که مد اختراع زنان زشت است یعنی زنهای زشت هستند که مدی را بنفع خود رواج میدهند تا عیوب بدن خود را بپوشانند و زنهای تشنگ هم از روی جهالت و نادانی از مدی بدون فکر پیروی میکنند.

مد در دنیای قدیم هم مثل امروزه مربوط بقدرت ملتها بوده مثلاً زمانیکه ایران مقتدر بوده است تمام ملل خواه و ناخواه از آداب و رسوم و تمدن آن استفاده میکردند.

وقتیکه روم دنیا را تسخیر کرد آداب و رسوم رومن رایج شد بطوریکه هنوز هم در اروپا باقی است و تنیکه فرانسه با حق عظمت رسید مرجع تقلید قرار گرفت هنوز هم مد فرانسه در ممالك مختلف نفوذ دارد. اگرچه بعد از جنگ بین الملل دوم بهمان علت که گفته شد سلیقه و مد آمریکائی نفوذ زیادی پیدا کرد.

تاریخ صنعت

ابتدا که بشر بوجود آمد و دغاها زندگی میکرد بفراین افتاد که در روی دیوار غار که زندگی میکند خطوط و تصاویری بکشد . این مطلب میرساند که از همان اوایل زندگی بشر صنعت وجود داشته این قسمت که مقارن زندگی بدوی و حالت ابتدائی بشر بوده است بآن آثار دوره پیش از تاریخ میگویند .

تا بر این از همان وقتی که زندگی بشر شهر نشین شده بود صنعت موجود بوده است . اولین صنعتی که بشر بآن دست زد حجاری - پیکر سازی - نقاشی بود (بطور کلی اگر بخواهیم صنعت را تعریف کنیم باید بگوئیم صنعت عبارتست از تظاهرات و تأثرات خاطر صنعتگر - و صنعتگر کسی است که در طبیعت برای درک و شناساندن زیبایی کار کند . بنابراین موضوع صنعت درک و بیان زیبایی است و یافتن آنرا در شخص خاص و محیط جامعه فرق میکند مثلاً فید یاس و قتیکه جسمه و نموس را درست کرد زیبایی آنرا مطابق میل و سلیقه آن عصر درست کرد .

در مصر جزیره ممولین دنیا است

مصرها اقوامی بودند که از ۴ الی ۵ هزار سال قبل از میلاد مسیح در دره رود نیل زندگی میکردند . بنسبت طغیان رود نیل هر سال دو مرتبه در این ناحیه کشت و زرع میشد . مصرها اقوامی بت پرست بودند حیوانات را می پرستیدند و مقدس ترین حیوان نزد آنها گاو بود . قایق روح معتقد بودند و زندگی در این دنیا چندان توجهی نداشتند به همین مناسبت برای لوکیری از فساد اجساد آنها را مومیائی میکردند اعتقاد بزندگی جاودان پس از مرگ انگیزه اصلی خلق را هنری زیبا بود در این آثار قدرت و عظمت ملی آمیخته باشکوه و جلال روحانی و دین سادگی و طریقت اصلی و فرض چشم میخورد در حالیکه هنرهای تزئینی مشخصات اصلی سبک مصری بخوبی پیدا است . (مصرها مومیائی ها را در خانه هائی که برای مرده ها می ساختند می گذاشتند و آنها صطبه میگفتند هر صطبه دارای و طاق بود یکی برای مرده و دیگری برای اقوام مرده که در آن مدفون و رات خود را می گذاشتند . در اطاق مردان انواع وسایل را که برای زندگی لازم بود قرار میدادند .

دیوارهای اطاق نقوش و اشکال مختلف داشت که مربوط بطرز زندگی بود در مصر يك سلسله بناهای دیگری هم وجود داشت که بآن اهرام می‌گفتند اهرام در صنعت مصر اهمیت خاصی دارد .

(هرم بنائی است مخروطی شکل که در داخل به اطاقهای زیادی تقسیم شده تمام این اطاقها دارای نقوش برجسته است) مهمترین هرمها هرم که اوس (Kéops) می‌باشد اهرام مانند مصطبه اطاقی برای مرده و یکی هم برای نذورات و نمازخانه دارد در پهلوی هرم ابوالهول واقع شده است (تدریجا بناها و معابد دیگری در مصر ساخته شد که بشکل دروازه ای که دو ساختمان بزرگ در دو طرف آن قرار گرفته و در داخل آنها معبد بوده است) مصرها نه تنها در معماری بلکه در حجاری و مجسمه سازی هم مهارت داشتند . با وجود سختی سنگ صنعتگران نمونه های خوبی ساخته اند . (از بزرگترین مجسمه ها مجسمه دیرنشسته است که از گچ ساخته شده و چشم او بسبك موزائيك درست شده و فعلا در موزه لوور می‌باشد) میتوان گفت که صنعتگر توانسته است علاوه بر حالت ظاهری او توجه او را هم نشان دهد . تا قرن ۱۴ پیش از میلاد مسیح که سبک صنایع مصر تحت تأثیر صنایع دیگر مثل یونان قرار میگیرد و از حالت عظمت پیش بیرون میآید و جنبه تزئینی بخود میگیرد . در این دوره در شبیه سازی - نقاشی و نقوش برجسته ترقی کرده کم کم بصورت کاریکاتور در میآید . آثار که از حفاریهای مصر بدست آمده عبارتست از خطردان - مجسمه های حیوانات - اسبی از طلا و نیک هارپ (یک نوع آلت موسیقی) و مقدار زیادی جواهر و مجسمه های کوچکی از سنگهای قیمتی که در مقبره توت انخمون (Toutankamon) بوده است .

لباس (مصرها بعلمت گرمی فوق العاده هوا قسمتهائی از بدنشان لخت بوده اما برعکس بر اثر شدت اشعه آفتاب سرا همیشه می پوشانیدند)

(جنس لباس آنها از کتان بوده که با ظرافت مخصوصی بافته شده و پارچه ای بوده عینا شبیه موسلین) (بعد از کتان پنبه و شمش بکار میبردند) اما پارچه های پشمی آنها چندان جالب نبود . زنهای معمولاً لباسهای تنگ می پوشیدند و منظور اصلی آنها بیشتر برای نمایان ساختن فرم بدن و هیكل بوده

نه پوشانیدن و پنهان کردن بدن رنگ لباس بیشتر سفید بوده گاهی هم رنگهای تند و زنده بکار میبردند . بلندی لباس تا قوزک پا میرسیده قسمت بالا تنه معمولاً لخت بوده و بوسیله یک یا دو رکاب پشانه وصل میشد گاهی اوقات لباس در قسمت بالا تنه یکطرف بدن را می پوشانید یا در قسمت وسط با بندی بگردن بند متصل میشد . پارچه لباس گاهی بقدری نازک بود که بدن کاملاً از زیر آن دیده میشد { مصریها از نظر نظافت موها را می تراشیدند و کلاه گیسهای کثانی حصیری سموی - ابریشمی بسر میگذاشتند کلاه گیسها بوسیله رویان های رنگی گلهای مصنوعی تزئین شده بود کمر و پیشانی را می پوشانید و از عقب سر پائین افتاده شانه ها را می پوشانید گاهی گوشها معلوم و گاهی هم در زیر کلاه پنهان میماند } ملکه و خدایان روی کلاه گیسها را بایک دسته پر زینت میدادند و فرم کلاههای ملکه ها تغییر میکرد پاها همیشه برهنه بود اگر کفش می پوشیدند کفش های آنها بشکل دم پای نوك برگشتای بود و آنرا از چرم یا پاپروس میساختند . بعضی کفشها تخت کلفتی داشت و بایند بیاصل میشد . (مصریها از جواهرات مانند سینمریز - دستبندها - نگین و زیند استفاده میکردند جنس آنها از طلا - جواهر و مروارید بود) .

نظافت
نظافت یک بانوی مصری بسیار مورد اهمیت بود . بعد از استحواض بدن را بوسیله روغنی خوب روغن مالی میکردند . صورت را با رنگهای قرمز - سفید و لبها را با کارمین ناخن ها را با رنگهای حنائی - قرمز و نارنجی رنگ میکردند و برای قشنگی چشم از رنگ آبی - سبز و سیاه - استفاده میکردند و با میل باریکی که از اجاج ساخته شده بود چشم را کشیده و بزرگتر جلوه میدادند و قسمت پشت چشم را سایه میزدند عطر در این دوره متداول بود .

لباس مردانه
عبارت بود از یک پارچه که آنرا مانند لنگی ببدن خود می پیچیدند و با کمربندی آنرا محکم میکردند . فراغه و اشخاص مهم این شال را بصورت یک پیش بند سه گوش در میآوردند که از داخل بوسیله سیمی که در آن میگذاشتند آنرا از بدن دور نگاه میداشتند . این لباس

را با گریند قیمتی زینت شده ای ببدن محکم میکردند یا اینک گاهین پارچه را طوری می پیچیدند که در قسمت جلو شکل بخصوصی داشت و در وسط آن بشکل مدوری رو به هم می آمد. پارچه لباس امپراطوران قیمتی و زینت بود. بچه ها ناسن بلوغ مانند مردان لباس می پوشیدند.

یونان یونان سرزمینی است کوهستانی که در جنوب شبه جزیره بالکان و شمال دریای مدیترانه واقع شده. از تاریخ صحیح این قوم در قدیم اطلاعات دقیقی در دست نیست تاریخ آنها آمیخته با فسانه هائی است که منشاء ادبیات کلاسیک امروزه است تقریباً میتوان گفت آنچه که باقی مانده از ۲ هزار سال قبل از میلاد مسیح میباشد.

مذهب یونانیها برای هر نوع احساسی خدائی داشتند و آن خدا را مسئول تمام اتفاقات میدانستند. به همین مناسبت بعبود خود چندان اهمیت نمیدادند و تمام آنها را ناشی از خواست خدا میدانستند.

صنعت یونان مهد تمدن و صنعت قدیم میباشد. بزرگترین شعرا و فلاسفه از این سرزمین بوجود آمده اند. یونانیها در صنعت معماری حجاری و مجسمه سازی بی نظیر بودند. در ساختن بناهای عظیم مثل تئاتر و معابد بزرگ مهارت داشتند. نکته مهم در ساختمانهای یونان طرز ستونهای آنست. زیباترین بنائی که از معماری یونان باقی مانده معبد پارتئون (Parthnon) است در این معبد بزرگترین صنعتگران کار کرده اند. این معبد با دقت و حساب دقیقی درست شده است (قانون طلایی تناسب مربوط به همین ساختمان است).

حجاری یونانیها هم مانند معماری آنها بعد کمال رسیده بود. در صنعت مجسمه سازی پیایای رسیده بود که حتی در قرن ۱۸ بعد از میلاد مسیح که به پیچیده صنعت در اروپا بود باز هم نتوانستند مجسمه هائی بقدرت مجسمه های یونان قدیم بسازند. مانند مجسمه ونوس - آفرودیت - اسکندر - سقراط - هومر و امثال آنها.

لباس

لباس زنان یونانی عبارت بود از يك پارچه نبوده و راستایك دوطرف آن درز داشت روی آن كمر می بستند و بصورت بلوز و دامن در می آمد . قسمت سرشانه كه پهن بود بوسیله سنجاق های مخصوص آنرا جمع می کردند . بلندی لباس بسته بسلیقه و موقعیت آنها داشت گاهی بلند و گاهی هم لباسهای کوتاه می پوشیدند . برش لباس هیچ رلی در لباس یونانیهای قدیم نداشت . مدرك علمی كه از لباس آنها باقی مانده مربوط به ۵ قرن پیش از میلاد مسیح میباشد . پارچه های لباسی بیشتر پشم - كتان و پنبه و یا پارچه های ابریشمی گرانبهائی بود كه از آسیای صغیر می آوردند . این اشتباهی است كه اغلب با دیدن مجسمه های مرمر تصور می كنند كه لباس زن های یونان سفید بوده است برعكس لباسها بیشتر از رنگهای تند تهیه شده است . ^{هومر} شاعر معروف و حماسه سسرایی یونانی در ^{اودیسس} یسافازيك پالتوی براق صحبت می كند و يك لباس ارغوانی گرانبها اشاره مینماید . لباسهای مخصوص جشن ها معمولا از رنگ عورتی با حاشیه ای سیاه یا زرد یا ارغوانی وآبی بوده است .

لباس مردانه

لباس مردانه هم از يك پیراهن بلند كه با كمر بند محكم بسته میشد و بصورت بلوز و دامن در می آمد این پیراهن ها در شانه با قلابی وصل میشد پالتوی آنها فقط يك شال بزرگی بود كه دور شانه و بدن خود می پیچیدند رنگ لباس مردانه بیشتر سفید بوده .

موی سر

آرایش موی سر مختلف بوده مرد ها موها را بلند نگاه میداشتند یا کوتاه می کردند اما موی سر زنها بلند بود . یا فر زده دور سر میریختند یا آنكه بشكل شینیون و اشكالی نظیر آن درست می کردند و موها را بارویان و نیم تاج و گل زینت میدادند یا آنكه با پارچه نازك و یا روبانی كه اگر جلوسر بسته میشد پیشانی را کوتاه تر نشان میداد موها را درست می کردند .

كفش

دو نوع كفش متداول بوده یکی بفرم صندل كه تخت كلفتی داشت دیگری بفرم پونین كه بایند تا زیر زانو بسته میشد گاهی آنقدر بایند بسته و چسبنده بود كه انسان تصور می كرد پا های آنها لخت است . زنها برای نشان دادن قدشان تا ۴ عدد تخت كفش بكشهای

خود صافه می کردند

نظافت بعد از حمام روزانه زنهای بدن خود را با روغن هائی مالش میدادند در این موقع حتی شوهران حق نداشتند حضور داشته باشند . هومر در کتاب خود می نویسد حتی

خدایان هم حق نداشتند در این قسمت از نظافت الهه ها حضور پیدا کنند . بموها خیلی توجه داشتند موها را سیاه - بور - لاجوردی - طلایی سفید رنگ میکردند و بافرگم آنها را خریزدند . گونه هارا با رنگ شنگرف درخشان کرده چشم هارا با سرمه بزرگتر نشان میدادند ابروها را با یک قلم نازک و دوده سیاه میکردند .

یونانیها از جواهراتی مانند گردن بند - گوشواره - بازوبند - سنجاق - کمر بند های طلا که با سنگ های قیمتی مزین شده بود استفاده میکردند .

لوانم دیگری که زنهای باخود داشتند عبارت بود از باد بنن - آینه - جعبه کوچک جواهرات و چتر آفتابی که مثل آنچه که در اروپا بود باز و بسته میشد و توسط یک غلام بالای سر خانمها گرفته میشد .

کرت یکی از جزایر دریای مدیترانه است و در جنوب یونان قرار گرفته و یکی از مراکز تمدن کرت بوده است در آنجا یونانیهای ابتدائی یا اولیه زندگی میکردند تقریباً ۲۵۰۰ سال قبل از میلاد مسیح در همان موقعیکه تمدن مصری و شرقی هم به منتهای عظمت رسیده بود این جزایر هم در تمدن دست کمی از آنها نداشتند مخصوصاً در ساختن بناهای عظیم و حجاری بی نظیر بودند . نکته مهم در این دوره ساختمان ۲ طبقه است که قسمت های داخلی آن عبارت بود از حمام - ناهارخوری - پذیرائی و همچنین اطاقی برای حیوانات .

در مجسمه سازی این قوم مهارت داشتند بطوریکه میتوان صنایع آنها را با قرن ۱۸ میلادی مقایسه کرد دیگر از صنایع آنها جواهر سازی و فلز کارست)

مذهب) کرنیها خدایان متعدد داشتند و در ضمن حیوانات را هم می پرستیدند برای زن احترام زیادی قائل بودند

لباس

لباس زنانه عبارت بود از يك دامن گشاد و بلند و چین که تمام آنرا با کاردست تزئین

میکردند } بالاتنه این لباس تنگ و چسبیده به بدن بود سینه و ستانها بکلی لخت بود

رنگ لباسها بیشتر تند و زننده بود

لباس مردانه

لباس مردانه مثل مصرها بالای بدن لخت و قسمت پائین بدن را بایک پارچه میپوشانیدند و آنرا طوری به بدن خود می پیچیدند که بصورت ثلوار در میآمد و بایک کمربند آنرا محکم

می بستند .

موی سر - مرد و زن موهای بلندی داشتند مردها اغلب کلاه کوچکی بسر میگذاشتند زنها

موهایشان بلند بود و در شان می ریختند دریشانی دالبه ریاحلقه درست میکردند . کلاههای زنانه

بسیار مجلل بود (بشکل کله قند و نوک تیز بود) زنها از جواهرات و زینت آلات مانند گردن بند - بازو بند

استفاده میکردند .

" روم "

شبه جزیره ایتالیا در جنوب اروپا واقع شده و رم یکی از شهرهای مهم و پایتخت آنست این شهر

بواسطه پستی و بلندی که دارد به ۷ تپه معروف شده از تاریخ صحیح روم، قبل از ۷۵۰ سال قبل از

میلاد مسیح اطلاع زیادی در دست نیست ولی افسانه هائی گفته اند که دو برادر بودند بنام رومولوس

و رولوس که در ریابان با شیر گرگ بزرگ شدند و یکی از آنها یعنی رومولوس بناکننده شهر روم است بهمین

مناسبت سبیل شهر رم گرگی است که دو بچه انسان ازستان او شیر میخورند . رومیها با اینکه فرهنگ و

تمدن خود را از یونانیها گرفته بودند ولی نمیتوان انکار کرد که تمدن رومی چندین قرن در دنیا حکومت

میکرد . هنوز هم در معماری سبک رومی اهمیت زیادی دارد . رومیها بیش از همه بشهرنشینی و تمدن

شهری اهمیت میدادند . در معماری و جاده سازی مهارت داشتند چنانکه در زمان ساسانیان رومیها

در ایران هم جاده هائی درست کردند . در ساختمان و ایجاد بناهای عظیم - حمام - معابد و تئاتر

بنظیر بودند . دیگر از بناهای رومی ساختمان گردی است که در داخل آن مردم اجتماع میکردند
 و چند طبقه بود اهمیت این ساختمان هلال هائی است که رویهم قرار گرفته است دیگر طاق نصرت است
 یکی از طاق نصرت های معروف طاق نصرتی است که برای پومپه ای ساخته اند تئاترهای رومی بسبك یونانی
 ها در فضای آزاد بود و دور تادور آن پله کانهائی بود که رویهم ساخته شده و گردی وسط جای نمایش
 دادن بود . رومیها حمامهای خصوصی و عمومی داشتند و بیشتر حمامها آبگرم طبی بود . حجاری
 رومیها بسبك یونان بود در مجسمه سازی دست کمی از یونانیها نداشتند نقاشی موزائیک کاری از کارهای
 مخصوص رومیهاست استادان نقاشی رومی هنوز هم در دنیا بنظیرند . از آثاریکه از شهر پومپه ای در
 تئاترها بدست آمده داخل طاقها دیوار و کف اطلاق موزائیک است نقوش اطاق خواب مناسب با
 خوابیدن و کج بریهائی در اطاق بوده است . بزرگترین تصویری که باقی مانده پیکر اوگوست است که نزدیک
 پای او یک ملائکه قرار گرفته .

مذهب رومیها برای هر یک از آثار طبیعت خدائی داشتند و بخدایان ممالک دیگر هم معتقد
 بودند بعزت نفوذ فلسفه یونان در روم تظاهر مسیح پای بند هیچ چیز نبودند .
 مردمانی شجاع و اهل کار بودند و برای زن احترام زیادی قائل میشدند و زنها برای کارهای اجتماعی
 هم لایق میدانستند .

لباس لباس مردانه عبارت بود از یک پیراهن بلند مثل یونان فقط کمی چسبیده تر دوخته شده
 بود و از یک شال استفاده میکردند شال رومی معروف است در شخصیت های مختلف و
 شغل های مهم فرم پیچیدنی این شال و رویان بنفشیکه بدور آن بود تغییر میکرد .

لباس زنانه مثل لباس زنانه یونان بود فقط کمی چسبیده تر ولی کم کم لباسهای زنانه و مردانه با دلق
 و ثروت بیشتر مجلل تر و زیباتر شده بین قرن ۵ قبل از میلاد مسیح و قرن ۳ بعد از میلاد

مسحی روی تخمیرات فراوانی پیدا کرد همین تخمیرات در لباسها عم دیده میشود این تخمیر بیشتر از نظر زینت و جلال و ابهت بود نه از نظر شکل و فرم - پارچه هایی که بکار میبردند از کتان - پشم و بعدا ابریشم مخلوط - باکتان و پشم بود - این پارچه ها با گلابتون و مفتولهای طلا و نقره قلاب دوزی شده بود و بیشتر رنگ سفید مورد توجه بود ولی بعدا رنگهای دیگر از قبیل زعفرانی - حنائی - سبز - بنفشه تندی - لیمویی نیز مورد استفاده قرار گرفت - (رنگ ارغوانی بخانواده سلطنتی اختصاص داشت) بعدا در انتخاب رنگ آزادی داده شد - زنهای رومی بایک سینه بند یا یک شکم بند بدن خود را می پوشانیدند بعد روی آن لباس بتن میکردند لباس رو آستینی بلند یا کوتاه داشت -

موها هم مانند لباسها بررور زمان تغییراتی حاصل نموده است - مرد ها اغلب موها را کوتاه نگاه میداشتند - موی زن ها بلند بود آنرا بشکل شینیون درست میکردند یا موها را می یافتند گاهی هم موهای بافته را بشکل نیم تاج روی سر قرار میدادند - موها را با رویان و سنجاق و نیم تاج تزئین میکردند - رویان ارغوانی رنگی که وسط آن پهن تر بود بصری بستند -

کفش کفش باشکال مختلف بود مثل دم بایی که تخت کلفتی داشت و قد آنها را بلند تر نشان میداد نوع دیگر پو طین بود که بایند بسته میشد یک قسم کفش دیگر هم بود که تخت چوبی داشت و بوسیله بند پیا بسته میشد در اوایل کفش قرمز را فقط خانمهای متشخص و شیک پوش می پوشیدند ولی بعدا خانم های دیگر هم آن را می پوشیدند -

جواهرات رومیها از جواهرات زیاد استفاده میکردند مثل نیم تاج و گل های مختلفی که موها را زینت میدادند - گردن بند - گوشواره - سنجاق - سینه ریز و بازو بند که از جنس طلا - کهریز - مروارید - پشم و جواهر بود - گوشواره ها خیلی فانتزی بود بشکل گل و حیوانات درست میکردند - زن ها صورت را سفید گونه ها را قرمز و لبها را با دُر شراب یا گل انرا رنگ میکردند و اطراف چشم را با سرمه یادوده سیاه میکردند و برای سفید کردن دندانها از بودر شاخ استفاده میکردند -

ایران قدیم (قبل از اسلام)

ایران فلاتی بود بین سند و دریای اژه و آد ریاتیک تقریباً چندین برابر ایران فعلی . چون تا ۶۰۰ سال قبل از میلاد مسیح بطور ملوک الطوائفی زندگی میکردند . صنعت مشخصی نداشتند و اگر هم داشتند آثار زیادی از آن در دست نیست که بتوان دقیقاً قضاوت نمود ولی چنین بنظر میرسد که ۳۰۰ هزار سال قبل از میلاد مسیح در فلات ایران تمدن هائی وجود داشته است . اقوامیکه در ایران زندگی میکردند بواسطه همسایگی با ملل دیگر با آداب و رسوم و صنایع آنها آشنا شده از آنها استفاده میکردند . ولی با ذوق سرشاری که داشتند آنچه را که اقتباس میکردند بسبک خاصی در میآوردند . هیچیک از ادوار تاریخ ایران برجستگی و درخشانی و روان هخامنشی و ساسانی را ندارد این دوسلسله یکی پس از دیگری در رفتهای شکوه و قدرت بر قسمتی از دنیای قدیم فرمانروائی کردند .

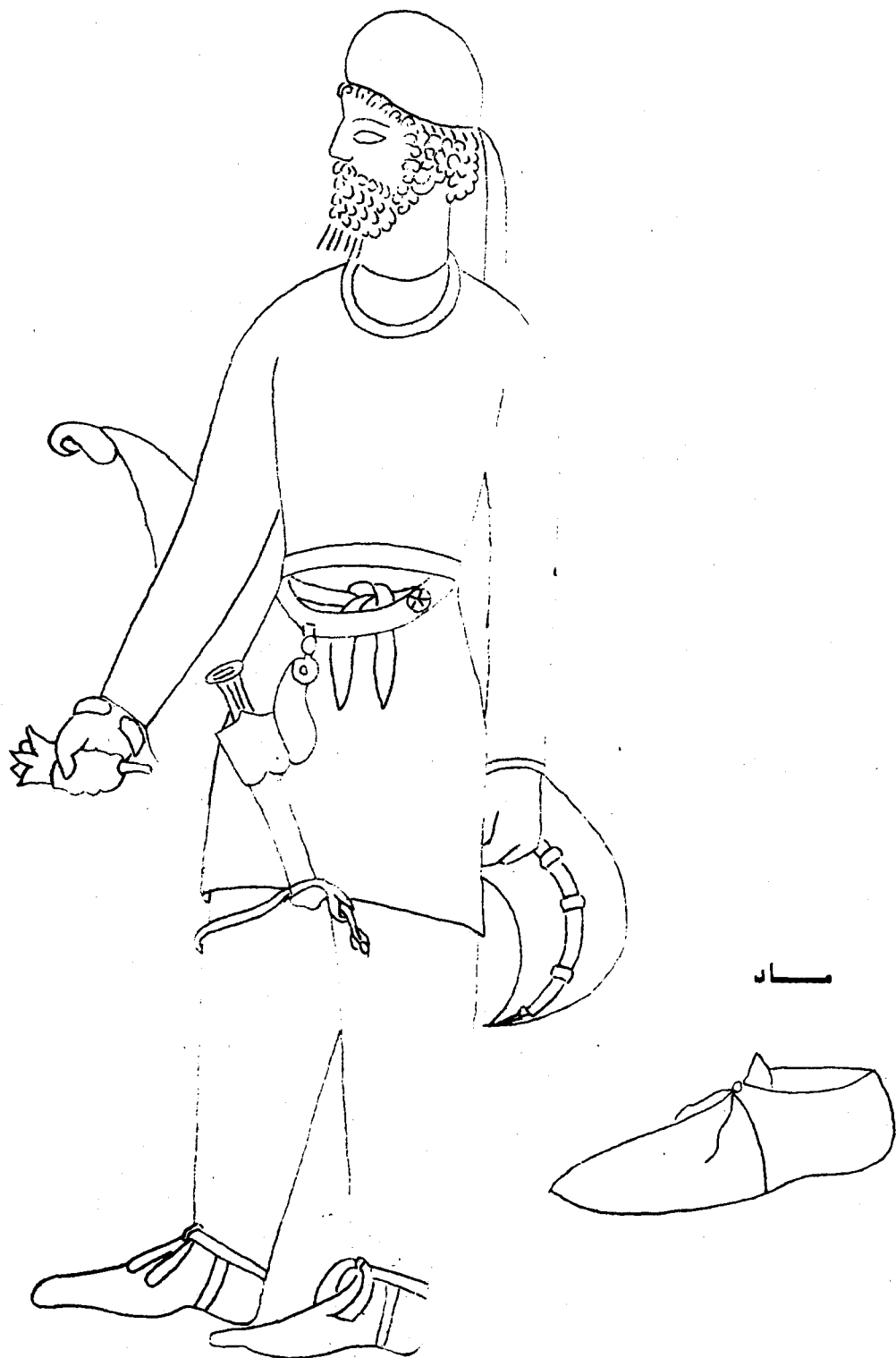
پوشاک پوشاک همیشه متناسب با اوضاع و احوال جغرافیائی و آب و هوا بوده است . در ایران نیز بعلمت داشتن مناطق مختلف پوشاک نواحی مختلف فرق میکرد مثلاً لباس پارسیها با مادیها تفاوت زیاد داشت هم اکنون هم ساکنین مناطق مختلف ایران دارای پیش از . انواع پوشاک اند .

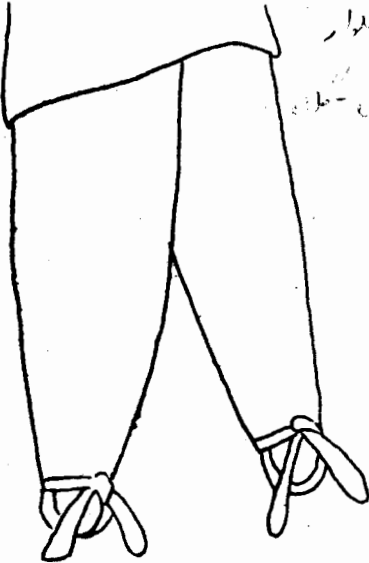
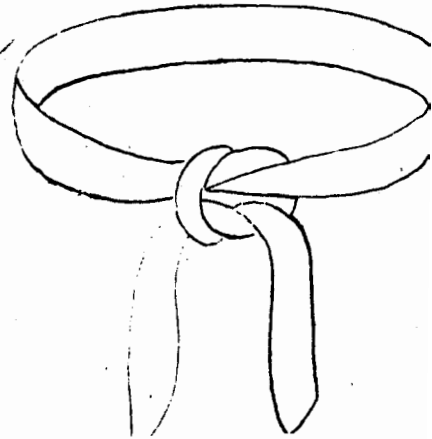
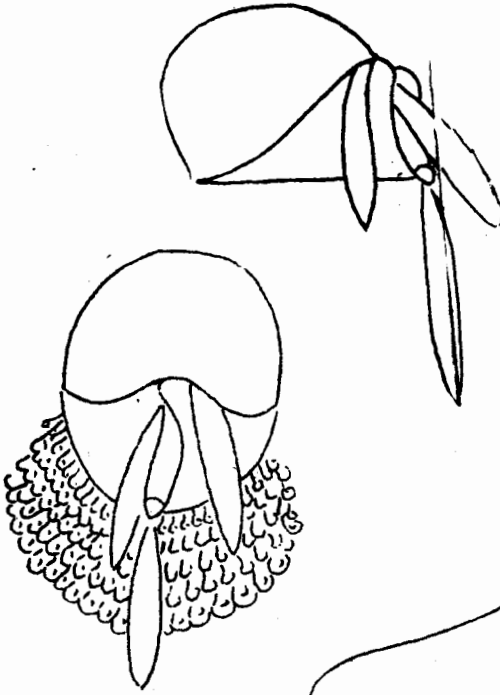
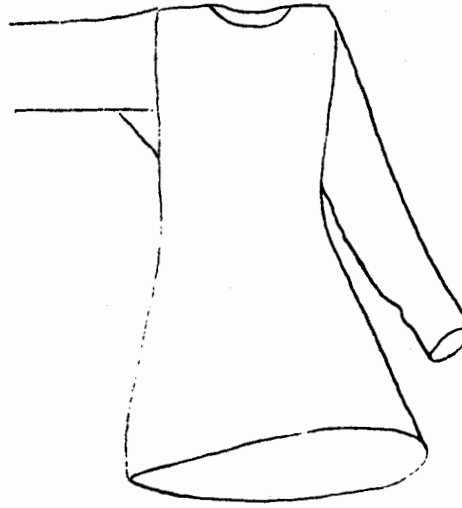
لباس مادیها - لباس مادیها عبارت بود از :

- ۱- پیراهنی که بلندی آن تا زانو میرسید آستین های پیراهن بلند بود از قسمت شانه کم کم تنگتر میشد بطوریکه مچ دست کاملاً تنگ بود یقه پیراهن گرد بود .
- ۲- شلوار : شلوار راسته بود بلندی آن تا مچ پا و بر روی کفش میرسید پاچه های شلوار از بالا بند ریج تنگ میشد مچ آن نواری داشت که روی پا گره میخورد دنباله آن روی کفش میافتاد يك نوار دیگر داشت که مانند رگابی بود که زیر کفش میرفت و شلوار را صاف نگاه میداشت .

۳- کفش : کفش از چرم يك تیکه بود و مانند جوراب بپا کشیده میشد پاشنه کفش گرد بود .

۴- کمر بند : کمر بند عبارت بود از يك تیکه چرم بلند تقریباً دو برابر دور کمر که در قسمت جلو





سبک و نرم و لطیف - شلوار
سبک و نرم و لطیف - کفش

کره میخورد علاوه بر این کمر بند دو کمر بند دیگر نیز داشتند که یکی برای آویختن کماند ان و دیگری برای قمه بوده است در موقع لزوم هر سه آنها را با هم می بستند .

۵- جبهه : طبق نقوش تخت جمشید ماد ها جبه ای بردوش میافکنند که حاشیه پوستی داشت و حاشیه ای هم دور یقه داشت که دنبالدار بود و آنرا در جلوی سینه بهم گره میزدند تا بدون اینکه از آستین هایش استفاده شود چون شل بردوش قرار گیرند .

۶- شل : ماد ها شلی داشتند که مستطیل بود قد آن از جبه بلند تر تا نزدیک چ پا میرسید در قسمت بالای آن دو بند داشت که جلوی سینه گره زده میشد .

۷- کلاه : ماد ها تقریباً ۵ نوع کلاه داشتند که جنس آن مادی بود پشت آن دنباله ای داشت تمام ماد از تزییناتی چون گوشواره های حلقه ای دستبند - گردن بند استفاده میکردند .

هخامنشی در دوران هخامنشی ایران بهمنهای شکوه و قدرت رسید احداث کاخهای عظیم - ایجاد راههای شوسه - ضرب مسکوکات - پیشرفتهای امور و فنون کشاورزی و دامپروری

و تقویت بنیه اقتصادی و تشکیلات منظم مملکت داری برد یگر سلسله های تاریخ ایران امتیاز دارد . در زمان هخامنشی تحولی را که در تمام شئون دنیای قدیم بوجود آورد بقدری نافذ و موثر بود که مدتی بر آن متصور نیست .

صنعت - صنعت ایران در زمان هخامنشی صنعتی بود از حاصل اجتماع و ترکیب تمام صنایع تزیینی و غیر از صنایعی که در دسترس نبود مانند چینی .

بهترین دوره صنایع قدیم را هخامنشی ها نشان داده اند مانند معماری - حجاری - کاشی کاری

خلز سازی - قالی بافی و پارچه بافی .

در خیلی از کتب حجارهای ایران را اقتباس از حجاری یونان میدانند در صورتیکه اینطور نیست آثاری

که بدست آمده بخوبی این مطلب را ثابت میکند (آثار معماری زمان هخامنشی مانند پازادگسار -

تخت جمشید و شوش • تخت جمشید از موضوعات مهم تاریخ ایران است و از شاهکارهای صنایع دنیاست. (شمار میرود)

لباس — همانطور که گفته شد لباس نواحی مختلف با هم فرق داشت لباس مادیها هم با پارسیان اختلاف داشت اما هر دو دست را بون نوشته اند که پارسی ها شکل لباس را از مادی ها اقتباس کردند — یا در جای دیگر نوشته شده که لباس ارغوانی شاهنشاه پارسی همان جامه بلند و باوقار مردم ماد بسود و بر سر تاجی داشت بلند و مشعشع و این تاج منحصر بشاهنشاه بود و در حجاریه های تخت جمشید منقوش است. در باره پوشاک پارسیان قبل از کوروش بزرگ مدارک صحیحی در دست نیست که مشخص کند لباس آنها بچه شکل بود، فقط میتوان گفت که لباس طبقات مختلف با هم متفاوت بوده است.

لباس پارسیان در دوره هخامنشی × از روی کتاب خجرام

پارسیان عقیده داشتند که پوشاک نه تنها باید بدن را از گزند سرما و گرما محفوظ نگاه دارد بلکه باید شخص را زیباتر و باوقارتر نشان دهد و بر شخصیت و احترام شخص بیافزاید از این رو در برگزیدن جنس و رنگ پارچه دقت فراوانی بکار میبردند • باگلد و زینهای مختلف در سینه و پشت و دامن و حاشیه بر جلال و شکوه آن میافزودند • زن و مرد تقریباً یکسان لباس میپوشیدند و اگر جامه ها فرقی داشت بیشتر از نظر رنگ — جنس و آرایش آن بود • جنس پارچه در طبقات بالا بهتر و گرانبهاتر و در طبقات پایین سادتر بود لباس آنها بلند و فراخ بود برخلاف یونانیان از دیده شدن پوست و تن برهنه بسیار شرم داشتند و آنرا بمنزشت میشمردند •

لباس مردان در دوره هخامنشی عبارت بود از :

۱ — زیرجامه شامل یک پیراهن — یک شلوار کوتاه که از پارچه های نرم و سفید و گاهی نیز از پارچه رنگی میدوختند روی آن قبائی برتن میکردند که دارای دامن بلند و فراخ و چین دار بود از این رو احتیاجی به پوشیدن شلوار بلند نبود •

۲- قبا : جامه روشی پارسیان که تنها يك قبای فراخ با دامن بلند چین دار بود از نظر دوخت و شکل بسیار پیچیده بود اما در نقوشی که در رخت جمشید از قسمتهای مختلف لباس وجود دارد میتوان بچگونگی لباس پارسیان پی برد .

(قبای پارسی از دو قسمت درست شده)

۱- بالاتنه که تقریباً بشکل دایره بریده شده که نیمی از آن پشت قبا و چین های زیر آستین و نیمی دیگر پیش سینه را تشکیل میدهد در این دایره جایقه سه گوش بشکل هفت باز میشود که باید پس از پوشیدن دامن سرخود را از آن گذرانید و قبا را بر تن مرتب کرد نیم دایره پیش سینه صاف و بی چین دوخته میشود ولی در رشت از کمرگاه تالیه آستین چین های بلند و منظمی ایجاد میگردد .

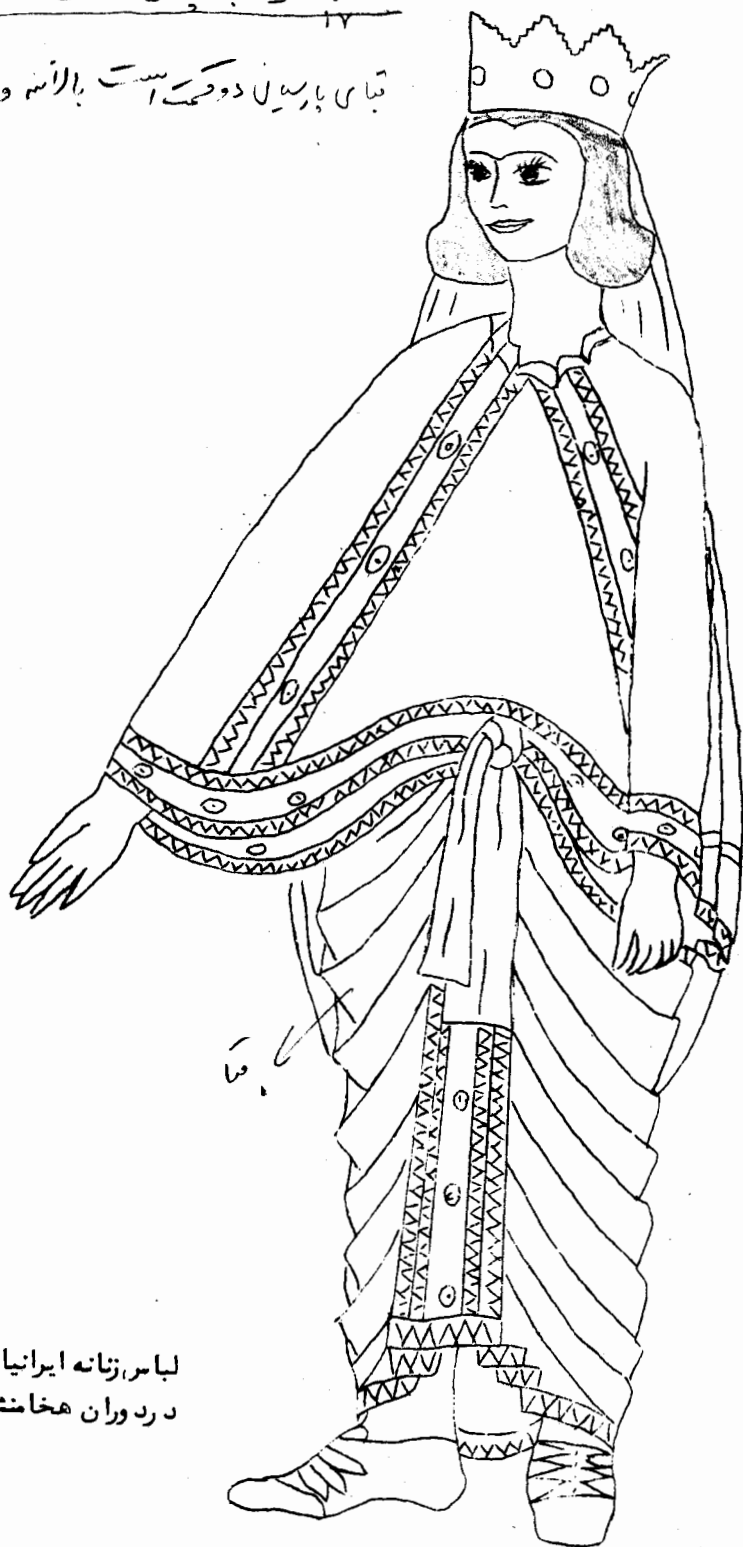
۲- دامن قبا که در رشت از کمر بیالاتنه متصل میشود . البته خاورشناسان و تاریخ نویسان هیچیک درباره دوخته بودن لباس پارسیان که دامن از بالا پوش جدا باشد ذکر نکرده اند پس از پوشیدن بوسیله کمر بند لیغ این دو را بر روی هم منطبق کرد موری هر دو را کمر بند چرمی می بستند .

اساس برش دامن قبا مثل چادر نماز است . برای مثال اگر ما گوشه های چادر نماز را در دست خود گرفته وسط قطر دایره آنرا پشت کمر بگذاریم و گوشه ها را در جلو بهم گره بزنیم و آنها را مانند جامه های رقاصه های عهد قاجاریه رها سازیم درست همان چین ها را پیدا خواهد کرد . با این تفاوت که جلوی دامن قبای پارسی بسته است . (برش و دوخت البسه پارسی در آغاز هخامنشیان ساده تر و کم آرایش تر از ادوار بعد بود . در رجا زندگی آنها تغییر کرده پرشکوه و جلال تر شد . بتجمل و آرایش جامه ها هم افزوده

گشت) از نظر چین ها جلوی قبای پارسی دو گونه است يك چینه و دو چینه مانند شکل ضمیمه)

۳- بالا پوش زمستانی : پارسیان بهنگام سرما مجبور بودند شل گشادی که بالباس آنها هماهنگی داشته باشد و جلوی حرکت دست و بازوها را نگیرد به تن کنند چون این روپوش درست بشکل بالاتنه لباس آنها دوخته میشد از این رو مشخص ساختن آن از قبا مشکل بود ولی چون خط اولیه ^{پیش} سینه

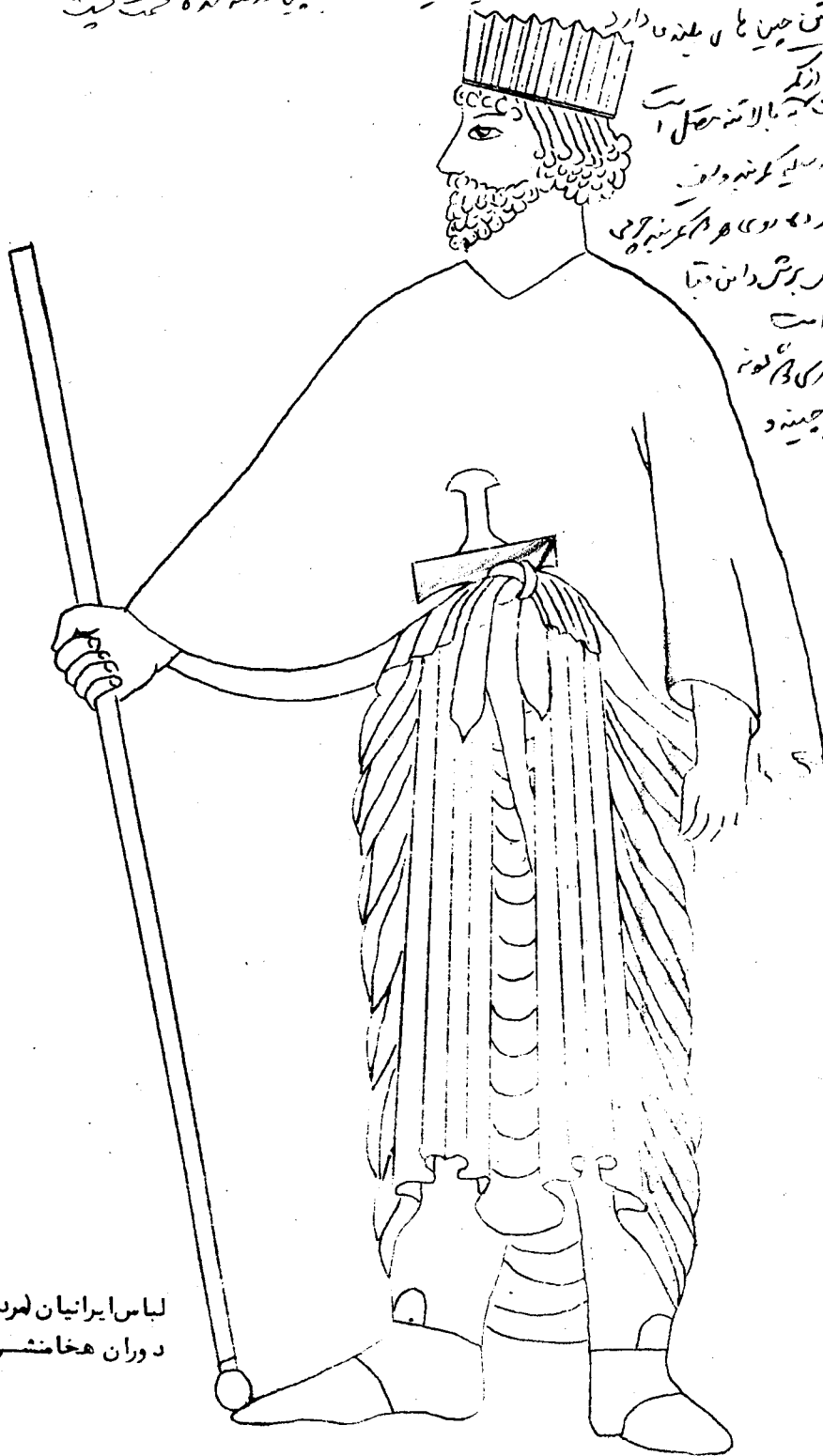
قبای پارسیان دو کت است بالاس و دامن قبا



لباس زنانه ایرانیان
دردوران هخامنشی

پس از پوشیدن دامن
 سر از آن رد کرد و قبا را بر تن صاف نمود ۱۸
 و بر کلاه تا آستین چین با یک یلعه دارد

دامن قبا از شین ^{از کمر} بالا تا مصل است
 پس از پوشیدن دامن کمر بند و روف
 رو به منطبق کرده روی هر دو کمر بند چوبی
 می بستند بهاس بر تن دامن قبا
 مثل چادر نماز است
 جلوی قبا پارگی ^{بزرگ} دارد
 بر چین دارد یک چین و
 دو چین



لباس ایرانیان (هردانه)
 دوران هخامنشی

به خوبی پیدا بود مشخص کردن آن اشکالی نداشت. جنس پارچه ها در دوران هخامنشی بیشتر از پشم بنیه - کتان - ابریشم بود با نقش و نگار و رنگهای گوناگون مثل نارنجی - سفید - زرد و قهوهای.
 این موضوع از رنگ آمیزی کاشی های لعابی شوش و سایر قسمتها بخوبی پیدا است. رنگ دیگری که در
 دربار هخامنشیان اهمیت داشت رنگ ارضوانی بوده و جامعه های رسمی شاهنشاهان هخامنشی از این
 رنگ بود رنگهای مورد توجه دیگر مانند طلایی و قهوهای بود. گاهی پارسیان در جامعه های خود دو رنگ
 بنارسی بردند رنگهای تابستانی که با زمستانی فرق داشت.

کلاه - کلاهها از نماد بود بجز کلاههای جنگی که از مغرب بود پارسیان مانند مادیها کلاههای
 مختلف داشتند تاج شاهنشاهان نیز جداگانه بود.

کفش - کفش پارسیان تقریباً شبیه مادیها بوده و آنرا از چرم تهیه میکردند ساده ترین آنها کفش چرمی
 و رتیکه ای بوده که روی آن بند بسته میشد برنگهای مختلف زرد - حنایی - ارضوانی بود.

لباس زنانه - تاریخ نوسان درباره لباس زنان سکوت کرده اند شاید چون لباس زنان نیز مانند مردان
 بوده است فقط اختلافی که دارد تزئینات پیش سینه و بقه و بائین آنست.

موی سر - موی سر مردان و زنان بلند بود پادشاهان کلاههای بلند و درباریان کلاههای
 کوتاه تر بسر میگذاشتند مردها ریش داشتند زنها موها را با جواهرات کلاه و چارقد های نازک تزئین
 میکردند. از جواهرات مانند دستبند - گلپند - گوشواره استفاده میکردند.

اشکسالیها ن

لباس مردانه ردای بلندی که ناقوزک پا میرسید و زیر آن چیزی مانند ارخالق و شلوار میپوشیدند
این لباسها از رنگهای مختلف بود گاهی لباسهای زرد و زی هم میپوشیدند *

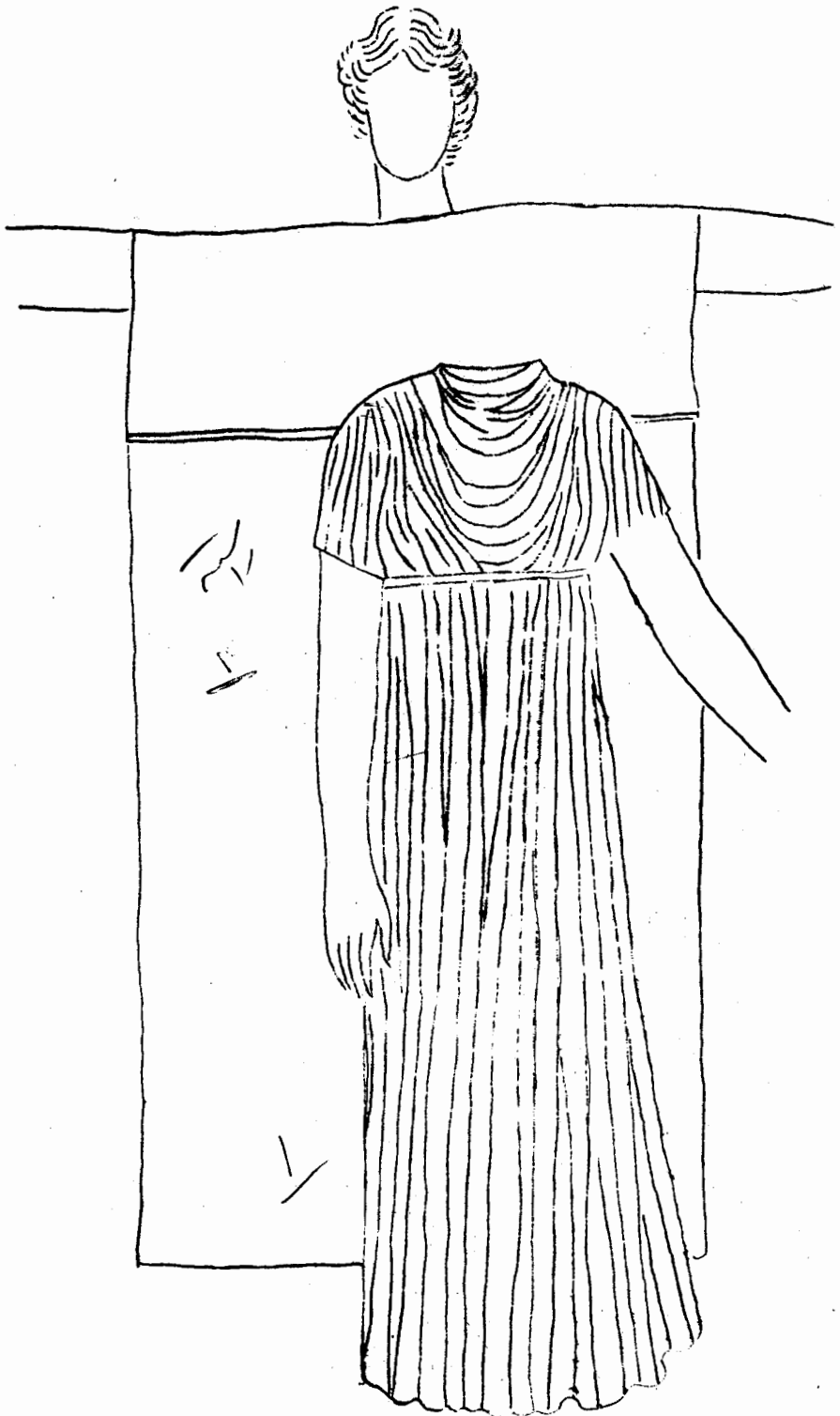
ساکس مینوسد : لباس یار تیهها مانند پارسیها قبائی بلند و گشاد بود که در آن زمان معمول مردم
ماد بوده و شلواوری فراخ داشتند بجای کلاه نواری بسر می بستند و تاج گردی که مخصوص پادشاهان
هخامنشی بود بر سر میگذاشتند (موهای رئیس و سر را پیچیده جمع مینمودند) اما پادشاهان پس از
اشک این لباس را کنار گذاشته فقط بیک جامه نرم و عبائی بر روی آن اکتفا کردند لباس زیرین آنها باین
شکل نبود * نقشی از لباس رزم اشکانیان موجود است که میتوان بجزئیات لباس رزم آنها پی برد *

کفش کفش اشکانیها تقریباً چهار نوع بود که ساده ترین آنها عبارت بوده از کفشی که روسه
آن دارای دوتیکه چرم بوده و بوسیله بند جلوی کفش گره زده میشد *

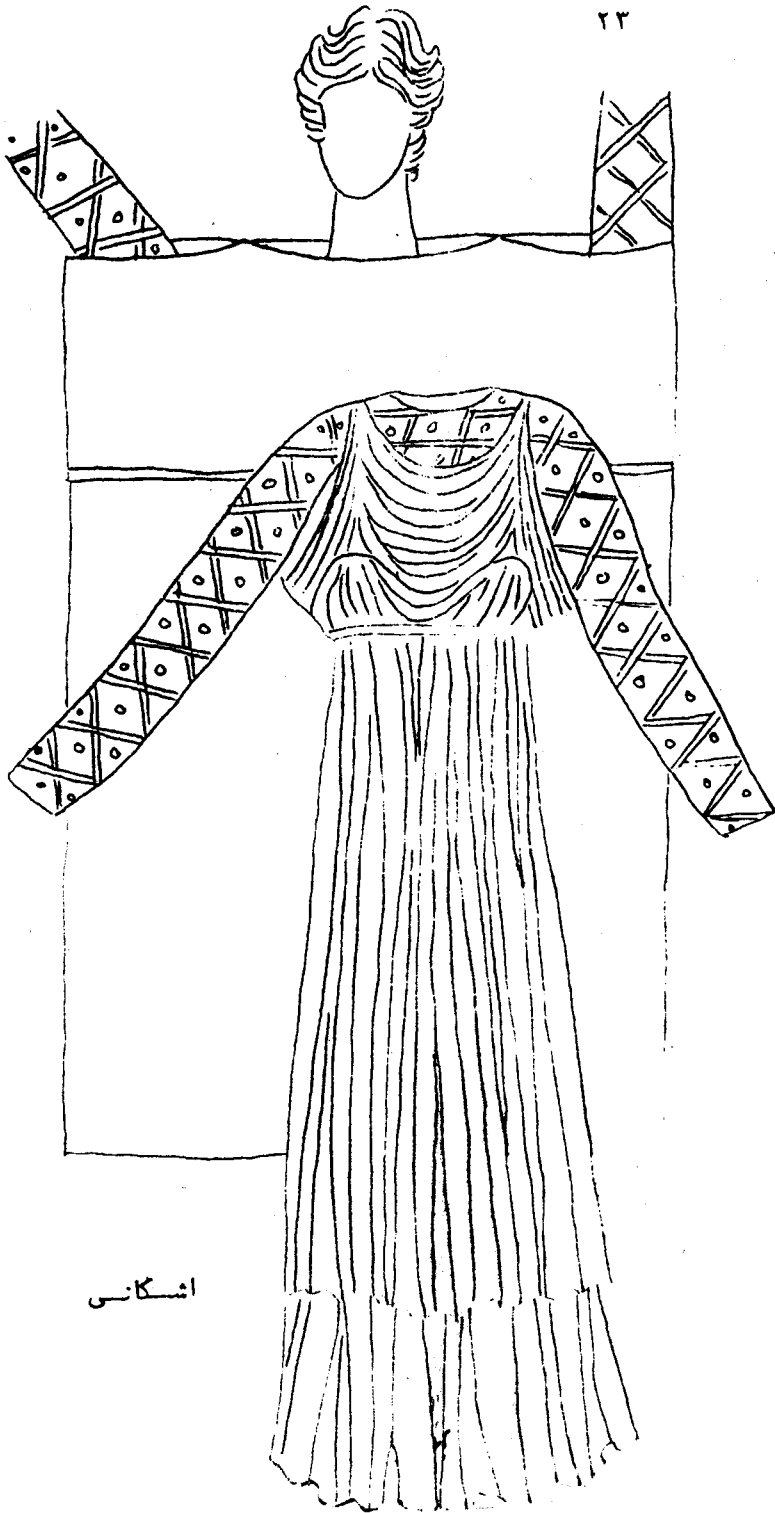
لباس زنان اشکانی لباس زنان در این دوره عبارت بود از یک پیراهن بلند تا روی زمین گشاد و بر چین
و آستین دار یقه آن تقریباً راست بوده است پیراهن دیگری داشتند که روی آن
میپوشیدند قد این پیراهن نسبت باولی کوتاهتر و یقه آن باز بوده روی این دو پیراهن چادری بسر
میکردند پیراهن از پارچه نقش دار و قلابد و زی *

کفش زنانه مثل کفش مردانه بوده کمرندی روی پیراهن می بستند که عبارت بود از یک نوار که برای
جمع کردن گشادی پیراهن در زیر پستان می بستند *

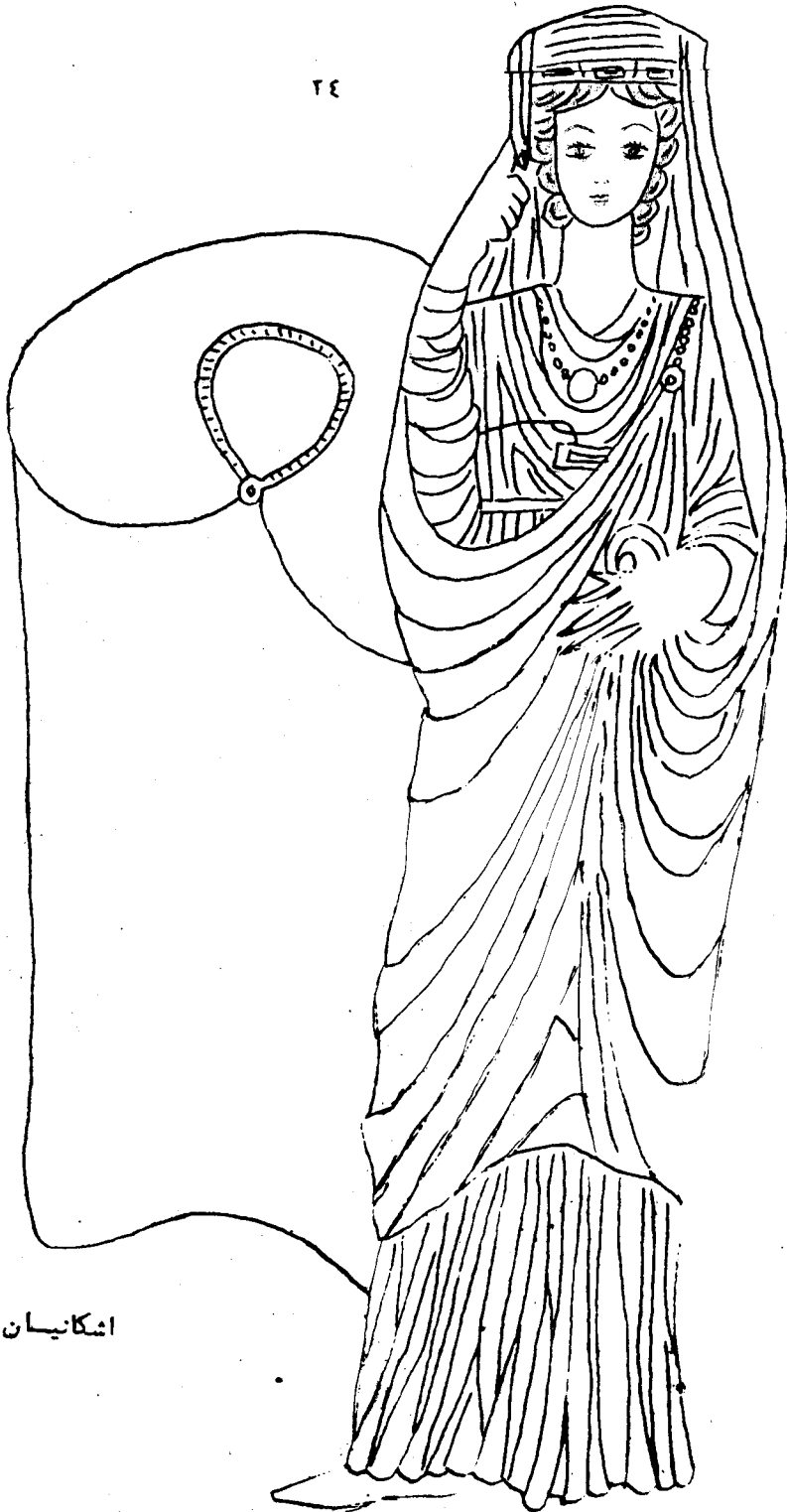
زینت آلات در این دوره از گوشواره کردن بند و جواهر استفاده میکردند چنانکه از روی جسمهای
که در رموزه بغداد از یک زن اشکانی موجود است این مطلب بخوبی مشاهده میگردد
این جسمه گوشواره های سنگینی بگوش دارد کردن بندی نازک برگردن و دورشته سینه رزم رزمین نیز
روی سینه اش گسترده است زنجیری از طرفین این سینه رزها بوسط سینه است که گوهری بشکل دل







اشکانی



اشکانیان

(بطور کلی میتوان گفت که زنان اشکانی تقریباً چهار نوع پیراهن داشتند :

- ۱- پیراهنی بلند و گشاد بایقه راست پارچه آن دوتیکه مستطیل است که در زیر پستان نسواری دارد که گشادی پیراهن را جمع میکند .
 - ۲- پیراهن بی آستین دارای سرشانه های باریک که بوسیله دکه یا سنگی بهم وصل شده یقه آن پهنای پارچه راست و باز است حلقه آستین ها در پهلوست وقتی دکه های سرشانه در جای خود قرار بگیرد یقه جمع شده در جلوی سینه چین ها قرار میگیرد .
 - ۳- گاهی یقه را تنگ تر گرفته در این صورت حلقه های آستین در بالای پارچه قرار میگیرد قد این پیراهن چون پیراهن رومی نسبت بزیری کوتاهتر است .
 - ۴- پیراهن آستین دار بایقه راست .
- چادرهای اشکانی بخلاف زمان اسلام فرم بخصوصی دارد که در شکل بخوبی مشخص میگردد .

ساسانیان

تمدن ساسانی زنده کننده تمدن هخامنشی میباشد هنر و معماری و حجاری این عهد حائز اهمیت است اگر حجاریها از حیث ظرافت و سلیقه پیای حجاری بی نظیر هخامنشی نمیرسند ولی در قسمت فلزکاری کج برهای عالی و معماری و پارچه بافی در زمان ساسانیان نه تنها صنعت تحت تأثیر هنر مغرب زمین قرار نگرفت بلکه در بعضی موارد مورد تقلید نیز بود زری های دوره ساسانیان بقدری مورد توجه بود که از تمام نقاط دنیا خواستار آن بودند بدون شك یافتن تالی و زری از زمان هخامنشیان در ایران رواج داشت اما تمدن ساسانی بمنزله پلی بین تمدن کهنسال آسیا و تمدن ترون و سغائی است.

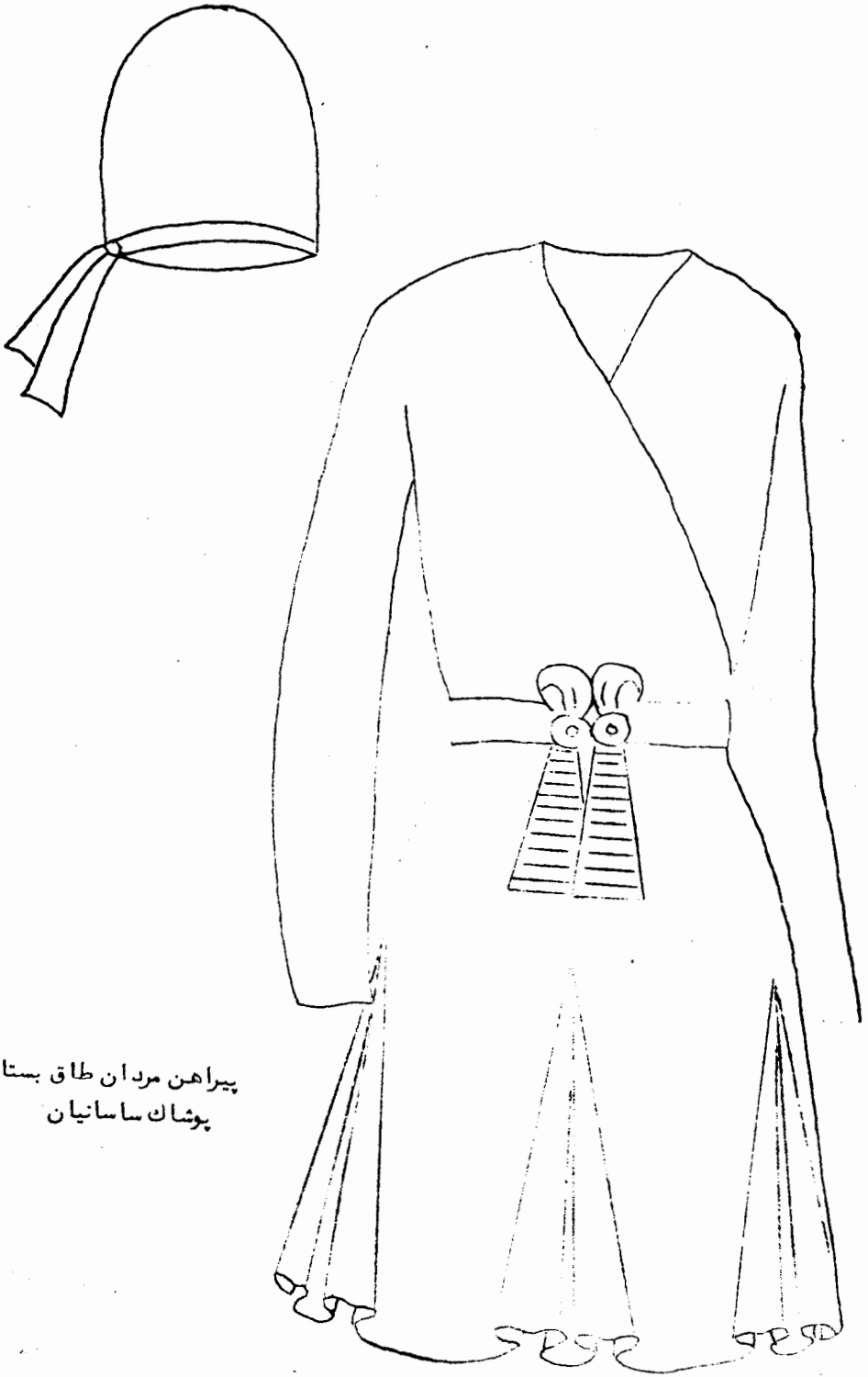
لباس مردانه - از آناری که در طاقستان باقیمانده و نوع لباس بدیه میشود :

۱- پیراهنی است تا زانو با آستین بلند و جیبان و شنلی که بدوش افکنده که پرچین است و سر آن روی سینه باد و قلاب بهم وصل شده و کمربندی بکمر بسته است دامن آن در دو پهلو و جلو ترکهای چین دار دارد بنظر میرسد با توجه بفن قرنیه سازی این لباس ۴ ترک چین دار داشته باشد .

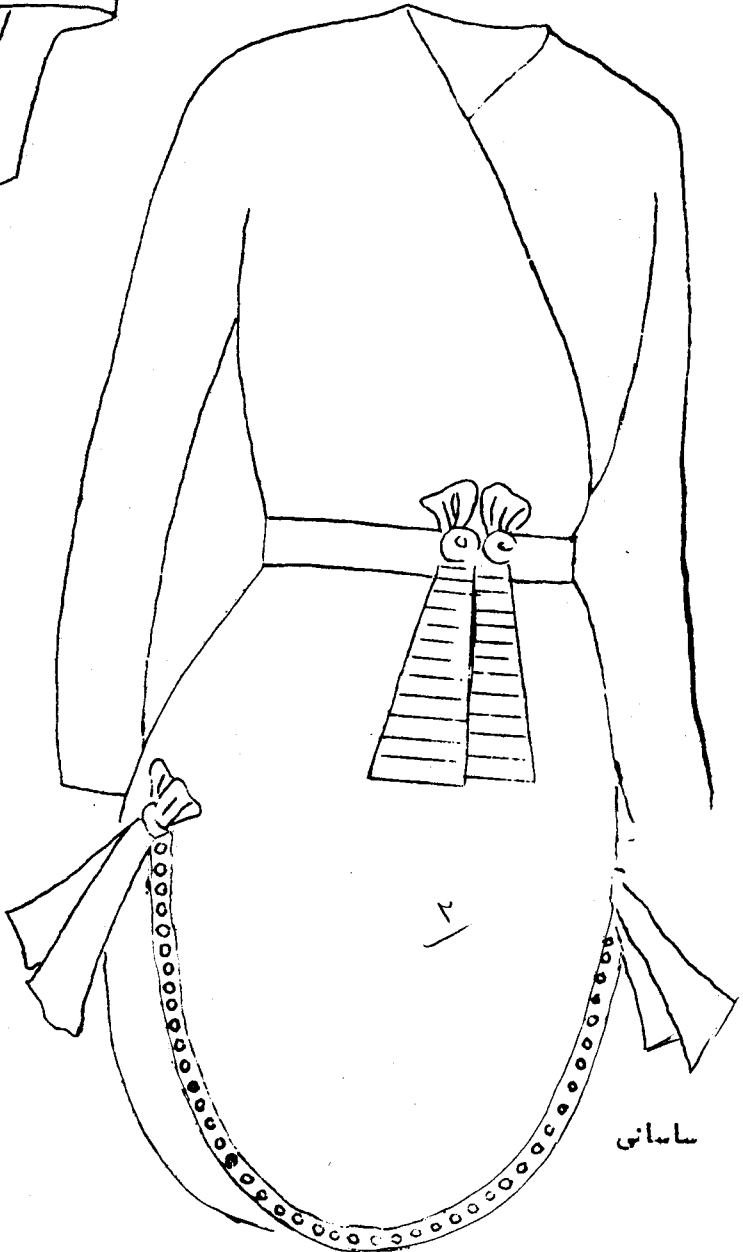
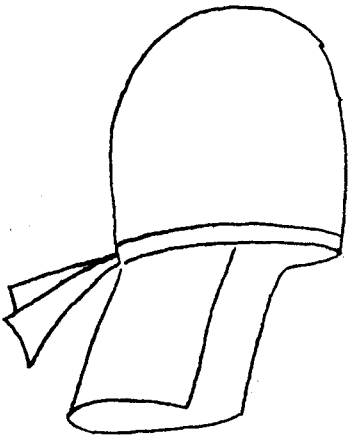
شلوار گشاد و پرچین است .

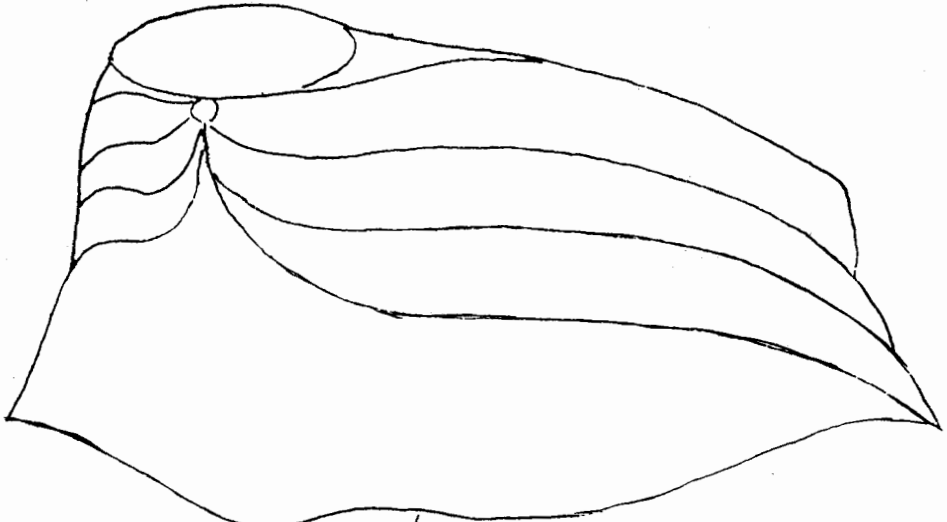
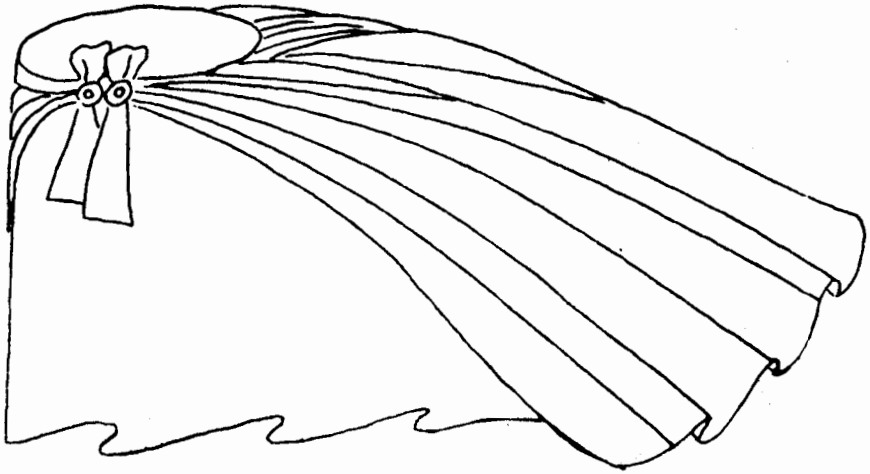
۲- لباسی بهمان شکل منتها دامن لباس گرد و حاشیه دار است نظیر این دامن در چندین جا دیده شده و جزئی اختلافی دارد (ساسانیان قبائی هم داشتند که در موقع لزوم بر روی پیراهن های خود می پوشیدند این قبا تا زانو و جلوی باز بود و بوسیله دکمه بسته میشد گاهی که قبا بتن نمیکردند بر روی پیراهن خود ارخالق می پوشیدند ارخالق پوششی است آستین بلند بایقه ساده جلوی باز بلندی آن تا زیر استخوان کف و از جلو تا زیر سینه بود بوسیله دکمه بزرگی جلوی سینه بسته میشد و آنرا با حاشیه تزئین میکردند .

شنل - ساسانیان اغلب شنل کوتاهی که نصف تن را در پشت می پوشانید برشانه می افکندند در قسمت جلو باد دکمه بزرگی بسته میشد علاوه بر شنل پوششی مانند اشارپ حالیه روی دوش می انداختند و بیشتر بانوان از آن استفاده میکردند .



پیراهن مردان طاق بستان
پوشاک ساسانیان







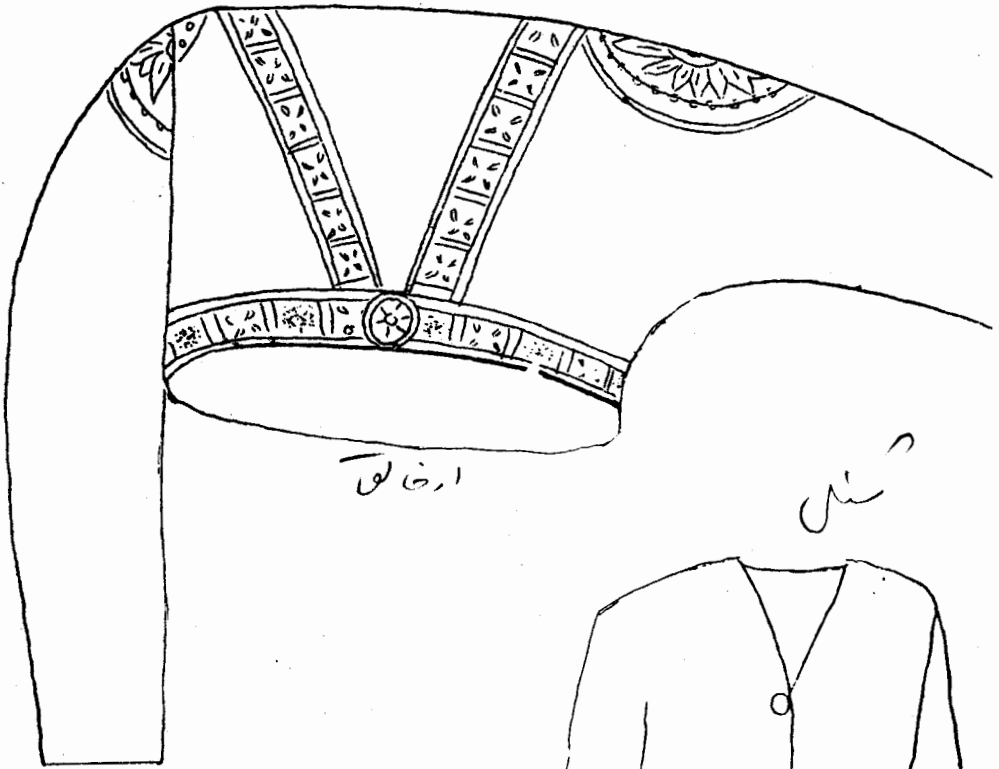
سامانی

شلوار - با اینکه از نوع شلوارهای گشاد و چین دار است معذالك با آنهاى ديگر فرق دارد يعنى با بلندگرتن قد شلوارچين ها بوجود ميآيد يعنى عريك ازنگه هاى شلواريك پارچه مستطيل است كه درازى و طرف آن چين داده شده تا باندازه درازى پا گردد و سرچين ها را درز گرفته اند و بانوارى روى آنرا تزئين كرده اند درمچ شلوار حاشيه كند دارد و باند بمچ پا بسته ميشود زير آن ركا بى است كه به كف نقش ميفانند و شلوار را صاف نگهيدارد .

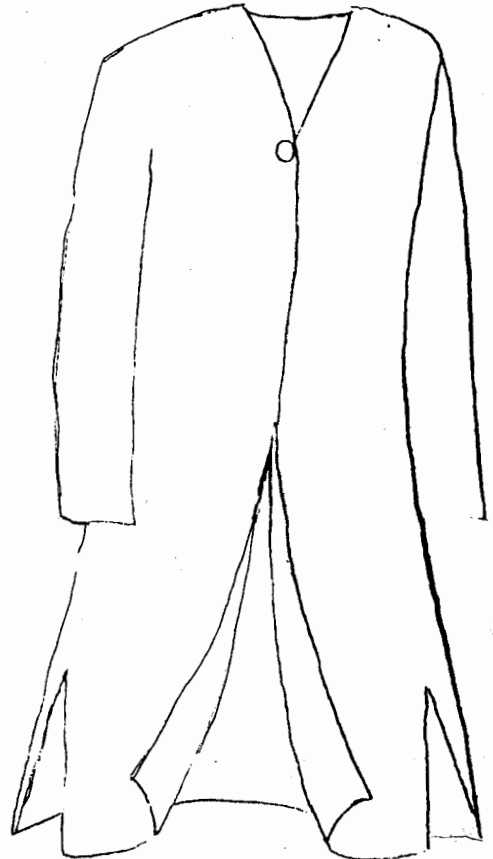
كلاه - كلاه جز تاجها از جنس نمى بوده است شكل كلاه گرد و بر روى لبه آنها نوارى دارد بسا دنباله دراز در پشت سر در زمان ساسانيان كلاههاى مختلفى بسر ميگذاشتند كه در نقش رجب انواع آن ديده ميشود .

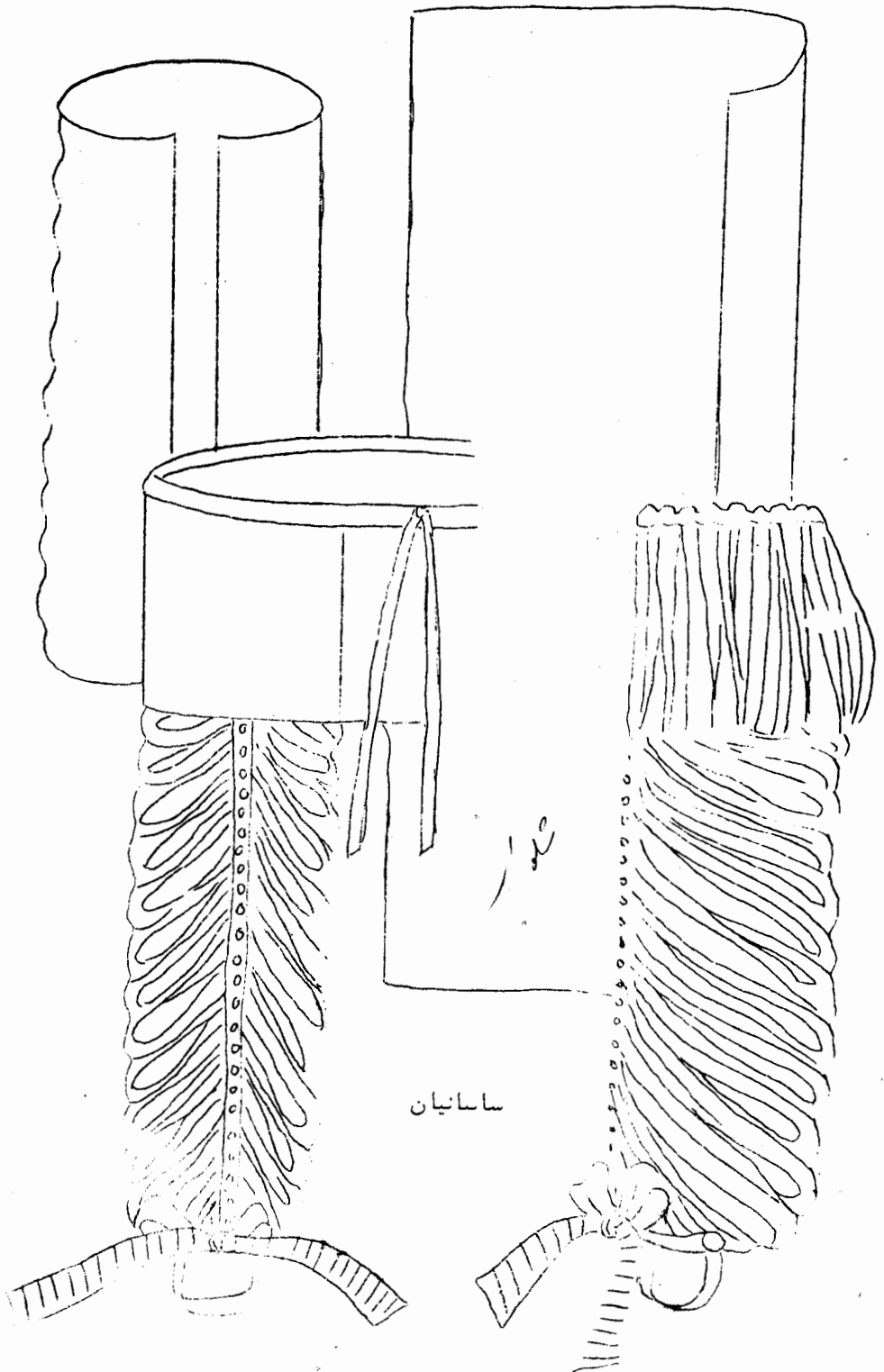
كفش - دو نوع كفش وجود داشت . ۱- كفش ساده كه ساق آن تا قوزك پا بوده از نوك كفش تا دهانه آن نوارى از چرم روى آن دوخته شده نوارد يگرى هم جلوى دهانه كفش روى پا ميدوختند كه بشكل ميشد . دوم كفشى كه ساقه بلند داشته شبيه چكمه و تا زانو ميرسيد روى آنرا با چرم نقش مختلفى درستميكردند .

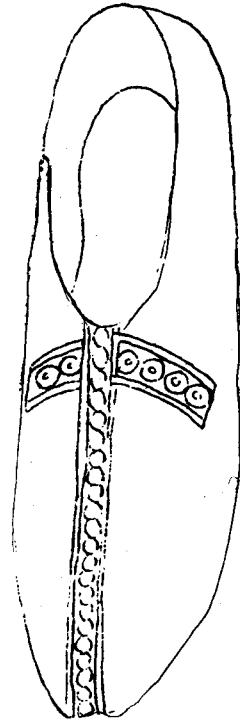
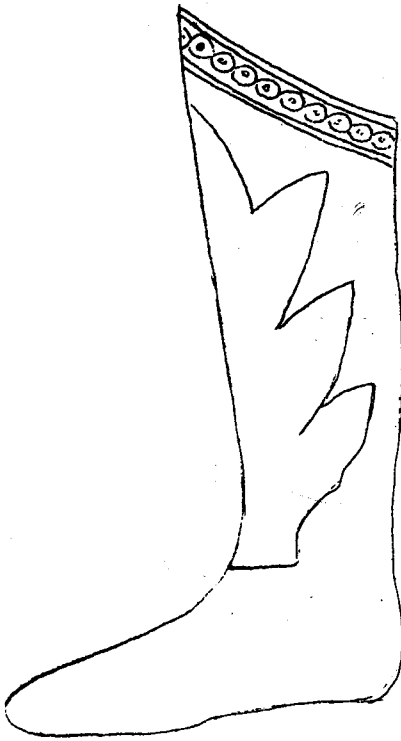
لباس زنانه ساسانى - پيراهنى بلند و چين و گشاد مى پوشيدند و آنرا بانوارى كه زير پستان مى بسته چين ميكردند پائين پيراهن را پارچه ديگرى چين ميدادند گاهى هم چادر گشاد و برچينى بسر ميكردند كه تا وسط ساق پا ميرسيد پيراهن آنها اغلب استين هاى بلندی داشت پيراهن بى استين هم داشتند يته پيراهن گرد بود گاهى هم جلوى پيراهن باز بود زنها مانند ساير دوره ها از جواهرات مانند دستبند - گلو بند - سینه ريز - گوشواره استفاده ميكردند . گوشواره ها اغلب سنگين بودند . يك نوع لباس ديگر نيز وجود داشته كه عبارت بوده است از قبائى كه تا وسط ساق پا ميرسيد و در جلوى دامن سه چاك داشته قطعاً نظير اين چاك در پشت لباس هم بوده است پائين دامن و چاكها حاشيه داشته استين قبا بلند و قه آن گرد بوده است با اين لباس شلواری مانند مردان بپا ميكردند .



سنت







ساسانی

بیزانس یا روم شرقی

بعد از مسیح حکومت روم رو بزوال رفت امپراطوری روم بدو قسمت شد: روم غربی و روم شرقی
روم غربی که همان شهر رم پایتخت آن بود روم شرقی که مرکز آن قسطنطنیه که یکی از پادشاهان روم
باسم کسنتین آنجا را مرکز خود ساخت .

امپراطوری روم غربی چندان دوامی نکرد امپراطوری روم شرقی که کسنتین مذهب مسیح را در آنجا
رواج داد و بعد از ظهور اسلام اکثر مسلمان شدند .

صنعت بیزانسی ها در منتهای پرکاری و ظرافت بود حتی در ساختمانهای عظیم و مساجد
و کلیسا هم تزئینات زیادی از قبیل مشبك کاری و امثال آن بکار میبردند . تقریباً میتوان گفت
صنعت بیزانس تحت تأثیر صنایع روم و یونان بوده است .

لباس در لباس بیزانسی ها عواملی دیده میشود که دلالت بر نفوذ آسیائی دارد یعنی میتوان گفت
لباس بیزانسی ها هم مانند صنعتشان مخلوطی از روم و یونان و مشرق زمین بوده است
با این تفاوت که خیلی سنگین تر و زیباتر و پرکارتر بود . از روی کاشی کاریهایی که در کلیساها بکار رفته
میتوان بطرز لباس و جزئیات آن پی برد و غالباً این کاشی کاریها سه گروه مردم را نشان میدهد :

۱- لباس حضرت مسیح و حواریون

۲- لباس پیشوایان مذهبی

۳- لباس سایر افراد .

لباسها چه زنانه و چه مردانه فاخر و قیمتی هستند پارچه های زیرفت بیشتر بکار میروند و برای
تزئین لباسها از مروارید و سنگهای قیمتی استفاده میکردند جلال و عظمت شرقی در طرز لباس پوشیدن
مردمان بیزانس بخوبی مشهود است چون لباسها را با پارچه های ابریشمی درست میکردند یا پارچه
ابریشمی را از مشرق زمین میآوردند و با آنکه ابریشم خام را از آنجا آورده و در بیزانس پارچه میبافتند
لباسها بسیار فاخر و تشنگ و مروارید دوزی بود و دوختن سنگهای قیمتی نیز روی لباس جلوه خاصی میداد

و همین مطلب لباسهای بیزانسی را از لباسهای یونانی و رومی مشخص میساخت. باید گفت اگر عظمت لباسهای یونانی و روم در مصرف زیاد پارچه و چین های فراوان لباس بوده است جلوه لباسهای بیزانسی در خود پارچه و تزیینات و پرکاری آن بوده است. در کاشی کارهایی که از این دوره باقی مانده امپراطور ژوستینین اول با ملکه شود را و درباریان را نشان میدهد. لباس آنها از یک تونیک آستین بلند و یک شل که روی شانه راست بسته میشود است تشکیل شده بود. یکی از خصوصیات لباس بیزانسی اینست که بیش از مردمان یونان و روم اندام خود را می پوشانیدند مثلاً آستین های بلند زیاد دیده میشود. کفش روسته بجای ساندل بپا میکردند. شل فقط بازو را نمی پوشانید دست چپ هم در زیر آن قرار میگرفت و بطور کلی قواره بدن را از نظر مخفی میکردند. در بعضی از شلها قطعه مربع دست دوزی شده دیده میشود که برای قشنگی شل بوده است. در این تصویر گردن بند ملکه تقلیدی از گردن بند های مصری است بطور کلی لباس عبارت بود از یک پیراهن بلند پوشیده از کارهای دست و زرد و زی و یک باند بلند که تمام آن بافتول های طلا دست دوزی شده بود. لباس ندریمه ها زریفت پرا زعفر و نگار میباشد.

مد سر مرد ها موها را کوتاه میکردند و کلاه های مجلل قیمتی حتی جواهر نشان بصریگداشتند. مد سر مرد ها گاهی ریشهای کوتاه داشتند. زن ها موهای بلند داشتند ولی بایاندهای طلائی آنها بالا می بستند و موها را باناج و جواهرات زینت میکردند و گاهی هم پارچه نازکی مثل نوری که حالا معمول است بپوشیدند که موها را بالا نگاه دارد. پارچه بافی یکی از مهمترین صنایع بیزانسی ها بود. از زینت آلات مثل النگو و گوشواره مرد وزن استفاده میکردند. النگو یک لب بود. کفش - کفش ها یک نوع علین بود. بزنگهای قرمز یا زرد و از جنس تیماج یا جواهر و قلابد و زی تزیین شده بود. جواهرات - جواهرات فراوان دیده میشود. سینه ریزه هاییکه از چندین قطعه جواهر مختلف درست شده و کاملاً گردن را احاطه میکرد و از گرانیهاترین و زیباترین جواهرات میباشد. گوشواره ها آنقدر بلند هستند که تا روی سینه میزان میباشند.

گل ها (از تاریخ امروز)

برخلاف رومیها که خیلی با جلال و عظمت زندگی میکردند گلها مردمانی ساده بودند و لباس خود خیلی اهمیت نمیدادند فقط بدن خود را بطور ساده ای می پوشانیدند .

از تاریخ تمدن گلها مدارك زیادی وجود ندارد و آنچه که فعلا در دست است سکه هائی است که بعد از تسلط روم بآن سرزمین بدست آمده است .

گلها تقریباً در حدود ۲ هزار سال قبل در مملکت گل که شامل فرانسه فعلی است زندگی میکردند کم کم بواسطه آمیزش با یونان و روم تمدن آنها آشنا شدند خواندن و نوشتن را هم از آنها یاد گرفتند بهمین علت ریشه زبان فرانسه لاتین است گلها مردمانی شجاع بودند و از هیچ چیز باک نداشتند تا قرن ۵ میلادی که رومیها بر گلها فاتح شدند و مدت ۵ قرن تحت نفوذ رومیها بودند در این مدت با آداب و رسوم رومیها آشنا شدند . مقدار زیادی شهر ویل و جاده در آنجا ساخته شد . گلها توان و خط رومی ها را آموختند و قتیکه مذهب مسیح در آنجا نفوذ کرد ابتدا عده قلیلی و سپس اکثراً مسیحی شدند .

لباس مردانه لباس مردانه عبارت بود از تولوار و پیراهنی که پس از آمیزش با رومیها لباس آنها تغییرات کلی پیدا کرد و بیشتر شبیه لباس رومیها شد .

لباس زنانه عبارت بود از پیراهن گشاد بدون آستین و دامن بلند پر چین که تا قوزک پا میرسید گیسوان خور را بایک چاقه قد نخ می پوشانیدند .

بعد از تسلط رومیها زنهای گل سادگی را کنار گذاشتند بتقلید از رومیها در طرز لباس پوشیدن خود تغییرات کلی دادند اغلب لباسها از لوز و دامن تشکیل میشد که دامنها گشاد و جلوی بلوز مانند کت باز بود . پارچه های لباس اغلب راه راه یا چهارخانه با رنگهای تند و زننده بود .

مرد ها موها را بالای سر می بستند بعد بتقلید از رومیها کوتاه میکردند و زن ها موهای بلند داشتند . کفش های آنها تقریباً شبیه کفش رومیها بود . کم کم لباسهای زنانه جللی تر شد تقریباً تحت تأثیر

فرانسه = از قرن ۱۵ به بعد

کشور فرانسه از آغاز دوره جدید تا سال ۱۵۸۹ که هانری چهارم سرسلسله^۱ خاندان بوربون سلطنت رسید توسط پادشاهان خاندان والوآده میشد در این مدت هشت نفر پادشاهان این خاندان لوئی ۱۱ شارل ۸ لوئی ۱۲ فرانسوای اول هانری دوم فرانسوای دوم شامل نهم - هانری سوم بر فرانسه حکومت کردند که بترتیب دوره هائیکه مد لباس بیشتر تغییر کرده است شرح خواهیم داد . در قرن ۱۵ و ۱۶ که اساس آن تقلید ادبیات و صنایع قدیم بود و چون سابقا مهد آن امپراطوری بزرگ یونان و روم بوده است بدین واسطه مملکت ایتالیا مجددا مرکز تمدن قرار گرفت و میتوان آنجا را مرجع تقلید برای لباس پوشیدن دانست حتی عادات و رسوم سایر ملل نیز تحت تأثیر این مملکت قرار گرفته بود ولی سلاطین فرانسه دائما سعی و کوشش نمیشودند که مرکز این تمدن را مملکت خود قرار دهند بدین واسطه پادشاه فرانسه لوئی ۱۱ دستور داد نمونه های پارچه های ابریشمی از مملکت ایتالیا به شهر لیون برده شود و در آنجا سعی نمایند مطابق آنها پارچه ببافند .

X " فرانسوای اول (۱۵۱۵ - ۱۵۴۷) "

فرانسوای اول بتکمیل خیالات لوئی ۱۱ پرداخت و همینکه دید چندان تغییری در طرز پارچه بافو لیون داده نشده دستور داد که کارگرهای ایتالیائی را با حقوق گزاف استخدام کرده بفرانسه بیاورند تا در آنجا صنعت پارچه بافی رونق پیدا کرده و پیشرفت نماید . این عمل باعث گردید که از رونق صنایع تجملی ایتالیا کاسته شده و برعکس صنایع فرانسه رو به ترقی رفت . در زمان فرانسوای اول مد لباس ترقی زیادی کرده معروف است که فرانسوا میگفت باید خوشگل بود و یا انتظار بخوشگلی کرد .

لباس مردانه
در این دوره لباس درباریان و سایرین باهم فرق داشت (لباس درباریان عبارت بود از پیراهن و شلوار که شلوار آن تا سر زانو میرسید و چون خیلی گشاد بود در فواصل معین چندین ریج کمربند دوخته میشد تا اندازه پا گردد و جوراب ساقه بلندی میپوشیدند پیراهن

گشادی بتن میکردند که یقه آن زیاد بلند نبود فقط تا محاذی گردن میرسید دارای آستین‌های بلند و گشادی هم بود که مثل شلوار از آرنج تا مچ آنرا چندین رج کمر می‌دوختند تا بشکل آستین معمولی درآید معمولاً شمشیر بکمر می‌بستند یک شل بدوش میافکندند که تا پائین تراز کمر میرسید و بیشتر به جلیقه گشادی شباهت داشت لبه کلاه آنها زیاد بزرگ نبود و قسمت جلوی آن بالا زده شده و همیشه با پرهای شتر مرغ کلاه را زینت میکردند گش هائی که مردان بپا میکردند شبیه نعلین رو بلندی بود که پاشنه داشت لباس سارمردان (اعیان) عبارت بود از شلوار کوتاه و جوراب و پیراهن کوتاهی که یقه بلندی داشت و دور آنرا چین میدوختند روی آن در زمستان ژاکت می‌پوشیدند که کمر آن

تنگ بود از کمر بپائین ترک ترک بریده شده بود و در زمستان آستر آنرا پوست میکردند .

لباس زنانه لباس زنانه در این دوره تغییر فاحشی کرد لباسهائی که زنهای در مجالس مهمانی و اعیاد می‌پوشیدند عبارت بود از لباس بلندی که دامن گشاد و پرچین آن بر روی زمین کشیده میشد بالاته آن چسبان و قالب بدن بود قسمت سینه و گردن باز بود از زیران پیش سینه حریری توری نمایان بود یاد و ریفه را تور و حریر میدوختند غالب لباسها آستین بلند داشت یا آنکه آستین‌ها در بالا پفی بود بقسمت پائین که میرسید تنگ میشد ببردست آستین پوست و گاهی هم چین میدوختند بعضی زنهای بعضی اینک پیش سینه و یقه را توری بکنند لباس ریفه بازمی‌پوشیدند که غالباً چهار گوش بود و عوض سینه ریز - گردن بند جواهر بکار میبردند .

زنهای موعای بلند داشتند در زیر کلاه مستور میداشتند کلاههاییکه بستمیگذاشتند مختلف بود مانند عرق چین کله قندی و امثال آن قسمت جلوی سرویشانی باز بود مثل این بود که نیم تاجی بسمر گذاشته باشند و از وسط کلاه دنباله های چین داری آویزان بود که تا وسط مهره پشت میرسید معمولاً این کلاه از پارچه لباس درست میشد و گاهی هم دنباله آنرا از حریر الوان درست میکردند .

در این دوره دو قسمت متمایز دیده میشود یکی قسمت اول که زمان سلطنت هانری دوم است و هنوز زرد و خوردهای مذهبی در فرانسه شروع نشده دیگر زمانی است پس از مرگ هانری دوم .

پس از مرگ فرانسوای اول سلطنت هانری دوم شروع میشود که تقریباً دارای همان جاه و جلال دوره های سابق بوده است زن هانری دوم که جوان و خوشگل بود ماست علاقه زیادی بخود آرائی داشته و چون نژاداً هم باتالی بود لذا عشق بتجمل و خود آرائی در نهاد او بی اندازه زیاد بوده است میگویند این زن بقدری بخودش جواهر آویزان میکرد که شباهت به بت های هندی پیدا میکرد است .

اما هانری دوم بعکس مخالف این همه تجمل و زینت بوده است بهمین مناسبت استعمال بعضی پارچه ها از قبیل اطلس - مخمل و پارچه های زریفت را محدود نموده یراق دوزی و ملیله دوزی و امثال آن فقط مخصوص بعضی لباسها بوده رنگ لباس هم نسبت به شأن و شغل اشخاص فرق میکرد مثلاً رنگ قرمز لاکه مختص شاهزادگان درجه اول بوده اشخاص دیگر این رنگ را بعنوان زینت لباس بکار میبردند .
لباس زنانه
لباس زنانه تغییر زیادی بازمان فرانسوای اول نداشت فقط کمربارک معمول شد بهمین علت زنها زیر لباس کمرست می بستند تا هیکل آنها در کمربارک تر شود یقه ها بسته شده بود و دور آنرا پارچه چین چین می دوختند که تمام گردن تا زیر چانه را میگرفت .

عبارت بود از یک نیم تنه و یک شلوار کوتاه که تا بالای زانو و گشاد بود و بجوارب وصل
لباس مردانه
میشد و یک شل پیراهن یقه برگردان بود و از زیر نیم تنه بیرون میآمد . شلی که بکول میانداختند تقریباً شبیه شل های امروزی بوده .

مرد ها موها را کوتاه میکردند گاهی هم ریش می گذاشتند لبه کلاهها از زمان فرانسوای اول کوچکتر بود و پاپرتزین میشد . موی زنها بلند بود زن و مرد از گردن بند استفاده میکردند در زمان هانری دوم سلامت متداول بود آنرا بعنوان جواهر بکار میبردند . پس از مرگ ناکهانی هانری دوم زرش دست

از تجمل برداشت فعالیت خود را صرف زد و خورد با پرتستانها نمود بهمین مناسبت تغییر کلی در لباس پوشیدن پیدا نشد . بعد از هانری دوم فرانسوای دوم و شارل نهم به سلطنت رسیدند که چون چندی از تفاوتی با دوره سلطنت هانری دوم نداشت گفتگو نمیکنیم .

“ هانری سوم (۱۵۷۴ - ۱۵۸۹) ”

این پادشاه هم مانند دو پادشاه قبل با مومرسلکت کاری نداشت و تمام اختیارات بدست مادرش بود و چون پادشاه خرس گدازان و تن پرور بود در زمان او دوباره زندگی تجملی رونق گرفت هانری پس از بازگشت از ونیز دستور داد زنهای لباسهای خود را مانند اعیان آنشهر ترتیب دهند در اعیاد و مهمانی ها زنهای لباسهایی بتن میکردند که زیرفت بود و آنرا با مروارید و سنگهای قیمتی زینت مینمودند .

لباس مردانه عبارت بود از يك كت تنگ و چسبیده باشنل کوتاه و شلوار چسبیده تازی زانو که بجوار بصل میشد و باوالان و چین تزئین میگردد یقه ها سفید و برگردان بود ولی بعد از یقه های بزرگ معمول گردید .

لباس زنانه بسیار مجلل تر شده بود بالاتنه تنگ و چسبان و دامن آن گشاد و بلند بود آستینها مانند دوره های گذشته در بالا گشاد و پائین که میرسید تنگ میشد لبه سردستراستین با تور یا پارچه نازک تزئین میکردند و از همان پارچه يك قسم یقه های بلند پرچین درست میکردند که برشانه و قسمت پشت گردن لباس دوخته میشد و چون آهار داشت مانند يك قسم هاله تمام پشت گردن و سر را میپوشاند بعضی از لباسها در قسمت جلوی آن برشی داشت که تقریباً ۲۰ سانتیمتر روی دامن میآمد . عده ای روی این لباس دامن دیگری می پوشیدند که بزرگ دیگر بود و کوتاهتر از دامن زیر بود در جلو چاک داشت تا دامن زیری دیده شود . زنهای غیردرباری نیز لباس پوشیدن و طرز آرایش را از درباریان تقلید میکردند بدون اینکه وضع مالی خود را در نظر بگیرند بدین واسطه فساد اخلاق در زمان سلطنت این پادشاه روز بروز زیاد تر شد . در زمان هانری سوم چون اسب سواری بین زنهای مرسوم شده

بود زنها يك قسم بالتوتی می پوشیدند که دوره های بعد هم متداول بود این پالتو خیلی بلند بود
و آستین گشاد و برچینی داشت . در این دوره دستکش معمول بود .

گفتش - گفتش مردانه ساده ولی کتشفای زنانه بفرم های مختلف بود بعضی گفتشها دوپاشنه داشت
یکی در قسمت نوك پنجه و دیگری در پاشنه . 

موی سر - مرد وزن موهایشان بلند بود بویکه میکردند بموها پودرهای رنگی میزدند زن و سرور
از جواهرات مثل گلوند و سنجاق استفاده میکردند .

“ هانری چهارم (۱۵۸۹ - ۱۶۱۰) ”

پس از هانری سوم هانری چهارم بسلطنت رسید و چون بخونریزهای مذهبی خاتمه داده شده بود
بدین واسطه خیال مردم آسوده بود بیشتر میتوانستند بفکر تجمل و آرایش باشند پارچه لباس زنانه
در این دوره بیشتر زری - بادله - اطلس و فاق بود . یقه لباس در این دوره ابتدا خیلی باز بود بطوریکه
توجه کشیش ها را جلب نمود و زنها را از پوشیدن چنین لباس منع میکردند (بطور کلی لباسهای زنان در
زمان هانری چهارم فوق العاده مجلل بود بالاتنه تنگ و چسبیده بدن و دامن گشاد بود منتسب از
گشادی دامن قدری کاسته شده بود در قسمت کمر گاز یا توری یا پارچه ای می دوختند که تقریباً بطول
نیم متر بود و روی دامن میافتاد و در یقه و سر دست را با توری یا پارچه های لطیف زینت میکردند معمولاً
توری که بد و ر یقه دوخته میشد آهار دار بود مانند هاله تمام اطراف صورت و قسمت پشت را میپوشاند
در این دوره زنها موهایشان را بعقب برده یا بالا می بستند استفاده از زینت آلات فقط مخصوص زنها بود .
لباس مردانه - لباس مردانه پادوره های سابق چندان تفاوتی نداشت شلوار کوتاه و لیفی تا بالای
زانوبقیه قسمت های پارا جوراب ساقه بلند میپوشاندند نیم تنه ها فقط کمی بلند تر شده بود و در یقه و
سر دست پیراهن را حریر یا تور چین دار آهاری می دوختند نجبا و اعیان همیشه شمشیری بطرف راست
کمر می بستند کلاه های مردانه لبه دار بود با پر زینت میشد پس از مرگ هانری چهارم که زمام امور در
دست زنش بود معذالك تغییری در مد لباس تا زمان لوئی ۱۳ داده نشد .

”لئوی سیزدهم (۱۶۱۰-۱۶۴۲)“

در زمان لئوی ۱۳ و اواخر قرن ۱۹ مد لباس بمنت‌های زیبایی رسیده بود حتی میتوان گفت که مد امروز هم تاحدی زائیده آن دوره است. در اوایل لباس زنانه هنوز هم سنگینی دوره هانری چهارم را داشت ولی لباسهای مردانه خیلی ساده تر و راحت تر شده بود. در این دوره اداره مملکت بدست کاردینال دو-رشلیو که یکی از روحانیون بود (وزیر لئوی ۱۳) قرار گرفت این شخص از جمله اصلاحاتی که نمود پوشیدن بعضی از پارچه‌ها را از قبیل زری - بادله و همچنین لباسهای زرد و زی شده را بکلی قدغن کرد فقط انواع االلس - مخمل و پارچه‌های پشمی مجاز بود. دامنهای گشاد ^{از بین رفته} منسوج شد اما ساخت گیره‌های رشلیو موقتی بود زنها کم کم سادگی را کنار گذاشتند و دامن‌بند رفتند رنگها بیشتر ساده و آرام شده بود در این دوره شعرا و نویسندگان و صنعتگران بیش از همه مورد نظر بودند آداب و رسوم فرانسه کسه سرمشق تمام ملل است از این دوره سرچشمه میگیرد لباس پوشیدن عموماً بهتر شد.

لباس مردانه تغییرات زیادی کرد کت‌ها بغیر مطلوبی بلند شد قسمت بالا چسبیده بود کت‌ها را و از کمر پائین باز بود پیراهن زیر که در قسمت یقه پلیسه بود از یقه کت پیدا بود آستینها چاک بلندی داشت کت پیراهن زیر گشاده میشد شلوار گشاد و تادم چکمه بود در آن زمان شل ماکول بود که روی شانه بسته میشد شل‌ها را بشکل دایره می‌بندیدند.

لباسهای زنانه در اواخر سلطنت لئوی ۱۳ بمنت‌های قشنگی و زیبایی رسیده بودند ^{لباس زنانه} بالاتنه لباس تنگ و چسبان غیر زیر دامن از بین رفته ولی دودامن روهم می‌پوشیدند دامن روی جلوش باز بود دامن زیری دیده میشد آستین‌ها ساده سردست را باتوری زینت میکردند یقه‌ها تانزدیک سینه باز و آنرا هم توری می‌دوختند بعضی آستین‌ها مانند لباس مردانه چاک داشت سوی سر - مردها موهای بلند داشتند و آنرا دورسر می‌ریختند کلاههاییکه بسر میگذاشتند با پرهای شتر مرغ زینت میشد لبه کلاهها بزرگ بود مردها سیل باریکی میگذاشتند. موهای زنهار بلند بود یا بویگه کرده دورسر می‌ریختند و یا باریکی بستند.

کفش - کفش زنانه زیاد تغییر نکرد اما چکمه های مردانه دهانه گشادی داشت تا نزدیک زانو میرسید معمولا کفشهای مردانه پاشنه داشت از گردن بند گوشواره و جواهرات استفاده میکردند .
 کیم " لویی چهاردهم (۱۶۴۲ - ۱۷۱۶) "

دراوایل سلطنت این پادشاه از زندگی تجملی کاسته گردید چون خود شاه صغیر بود و امور مملکت بدست عبدراعظم مازن اداره میشد تا ۱۶۶۱ که دوره جوانی لویی ۱۴ شروع میشود . عروسی لویی ۱۴ با ماری ترز چندان تغییری در طرز لباس پوشیدن نداد چون ملکه نژاد اسپانیولی بود و مانند فرانسویها عشق بتجمل نداشت ولی خود پادشاه چون علاقه مفرطی بتجمل داشت سعی نمود روز بروز بوعظمت دربارش افزوده گردد . در این دوره تغییرات زیادی در لباسها داده شد تورهای مختلف چین و والان های متعدد زینت بخش غالب لباسها گردید پارچه های ابریشمی خیلی مجلل متداول شد مخصوصا يك قسم تافته رایج شده بود که در موقع راه رفتن خش خش زیاد داشت . (فاق)

پارچه های زری مخصوص پادشاه بود بر حسب دستخط شاه اجازه پوشیدن آن بمقریین دربار داده میشد .
 در اوایل سلطنت لویی ۱۴ تقریبا شبیه لویی ۱۳ بود کت های کوتاه با آستین های کوتاه لباس مردانه که تمام آن باتوری تزئین شده بود و آستین پف دار پیراهن زیری نمایان بود بلسوز سفیدی می پوشیدند که بواسطه کوتاهی کت از زیر نیم تنه دیده میشد یقه پیراهنی که باتوری تزئین شده بود از یقه کت پیدا بر . شلوار بسیار گشاد تا زانو میرسید بابتند جورابهاییکه باتور تزئین شده بود بجوراب وصل میشد .

در اوایل لویی ۱۴ لباس زنانه هم مثل لباس مردانه تور دوزی میشد دامنها گشاد و بلند بود . دودامن لباس زنانه می پوشیدند که دامن روی با گیره هائی جمع میشد تا دامن زیری نمایان شود بالاتنه

تنگ و چسبیده بدن بود و یقه ها یا یاقه های بازی یقه بیشتر از د و طرف گردن بود .

سوی سر - مرد ها موها را بلند میکردند و روی شان میریختند کلاههاییکه بر سر میگذاشتند لبه دار

بود و در وسط آن پر بزرگی نصب شد بود . زنهای بلند داشتند که بوکله میکردند و در سر
میر میخندند یا بارویانی آنها بالا می بستند .

کفش - کفش ها خیلی مجلل شده بود و باتوری - دانتل - زری زینت میشد . در این دوره
محبوبه های پادشاه نیز لباسشان مورد تقلید بود از ۱۶۷۰ تا آخر سلطنت لویی ۱۴ مد لباس تغییرات
دیگری نمود و بصورت عادی و راحتی درآمد .

لباس مردانه - عبارت بود از یک کت بلند مثل سرداری با آستین های بلند که لبان کمی گشاد و
مثل پاکسی برگشته بود پیراهن سفید که پیش سینه آن پلیسه بود از زیر کت نمایان میشد شلوارها کمتر
از سابق گشاد بود و جوراب وصل میشد در این دوره مانشون معمول شده بود و آنرا بارویانی بگردن
آویزان میکردند .
(لباس مانشون)

موی سر - موی مرد ها بلند بود یا آنرا بوکله کرده در سر میر میخندند و یا کلاه گیس (پروک) بپوش
میگذاشتند کفش انواع مختلف داشت کفش مردانه پاشنه بلند بود .

لباس زنانه - بالاته تنگ و دامنها گشاد بود و چون بالاته فوق العاده تنگ بود پوشیدن آن
مشکل بود بدین واسطه یک قسم لباس مرسوم گردید که در ظاهر دارای بالاته تنگی بود ولی همینکه پیش
میرسید تمام گشادی لباس مانند چین رویهم میآمد این قسم چین در نقاشیهای آن زمان زیاد دید میشود
خاصیت آن این بود بآسانی ممکن بود تکه های آنرا باز نمود لباس گشاد تر شود قسمت لبه آستینها
را با دانتل تور تزئین میکردند یقه ها باز بود .

موی سر - زنهای بلند داشتند آنرا در سر میر میخندند یا بوکله کرده بالای سر می بستند
کلاههاییکه بر می گذاشتند فرمهای مختلفی داشت گاهی دنباله کلاهها بروی شانه و اطراف گردن
میرسید ولی تمام پیشانی و قسمت جلو باز بود زن و مرد موها را با پودرهای رنگی رنگ میکردند کفش
زنانه بسیار مجلل و زیبا بود پاشنه هم داشت .

”لوئی پانزدهم (۱۷۱۶-۱۷۷۴)“

در زمان لوئی ۱۵ با وجود بودن ملکه مقدس و یا خدائی مانند ماری دولکسینکا هیچ تأثیری در طرز لباس پوشیدن و روحیه زنهار داده نشد در این زمان یکی از معشوقه های پادشاه با اسم مادام دو میادر که بآرایش و لباس علاقه غریبی داشت مرجع تقلید قرار گرفت بدین واسطه بعضی از لباسها را با اسم او معروف کردند.

لباس مردانه لباس مردانه عبارت بود از کت - شلوار - جلیقه - پیراهن . لباسهای مردانه دیگر مانند سابق زینت نمیشد کت ساده و نسبتاً بلندی بتن میکردند که کاملاً قالب تن بود و تا زانو میرسید از کمر پائین گشاد تر میشد آستین های کت بلند و لبه آن برگردان بود پیراهن زیر که آستین گشاد و یقه ای داشت از زیر آن نمایان بود جلوی کت باز و گاهی با کمر بند بسته میشد یقه ها ساده و پیراهن زیر مثل دستمال گردن از زیر آن نمایان بود و همین دستمال گردن کم کم بصورت کراوات امروزی درآمد .

زیرکت جلیقه تنه و بلندی بتن میکردند که با دکمه بسته میشد آستین تنگی هم داشت شلوار تنگ شده بود مانند شلوار سواری که کمی پائین تر از زانو میرسید بقیه پاها را با جوراب میپوشانیدند .

لباس زنانه شکل و غم لباس زنانه تنییرات فاحشی پیدا کرده مد های مختلفی بوجود آمد یکی لباسهاییکه بالاتنه تنگ و چسبیده داشت با دامن گشاد و بلند که برای اینکه دامن گشاد تر بنظر آید دو دامن در زیر آن میپوشیدند و معمولاً لباس را با تور چین و الانهای رنگی زینت میکردند این لباس آستینی تنگ تا آرنج داشت که سرآستین را چندین رج تور چین دار میدوختند یقه بسیار کوش و باز بود و در گردن روبان بزرگ لباس می بستند .

مدلهای دیگر لباس عبارت بود از لباسهای گشادی که مثل مانتو از سرشانه چین میخورد و آویزان بود لباسهای دوداشته در اواخر سلطنت لوئی ۱۵ متداول شد که دامن روی کوتا هتر بود

جلوی آن پلرز بود و باعث میشد که دامن در دو طرف گشاد تر بنظر آید. دامن زیری بلند تر بود و تا روی کفش میرسید. باچین و والان تزئین میشد. ژوپن فتری مرسوم بود و در دو طرف فند داشت در وسط رویانی آنها را بهم وصل میکرد.

مرد ها موهای بلند داشتند آنها بویکه کرده بارویانی در پشت می بستند. زن ها موهای بلند داشتند آنها بویکه میکردند. مرد وزن از بود رهای رنگی برای قشنگی مو استفاده میکردند.

استعمال سفیداب و سرخاب بروجاهت زن ها میافزود این زیاد روی که در زندگی تجملی برقرار شده بود در تمام طبقات مردم دیده میشد. کلاه های مردانه لبه بزرگی داشت کلاه های زنانه کلاه کوچکی بود کفش در این دوره بمنتهای قشنگی رسیده بود و خیلی شیشه بکفش های امروزه نگیں دار و پاشنه بلند بود. مرد وزن مرد و کفش پاشنه دار می پوشیدند.

“لوسی شانزدهم (۱۷۷۴-۱۷۸۹)”

پس از لوسی ۱۵ لوسی ۱۶ سلطنت رسید اوایل سلطنت این پادشاه زندگی تجملی چندان رواج نداشت چون نه پادشاه و نه زن جوانش ماری آنتوانت هیچکدام علاقه زیادی بتجمل نداشتند و لوسی بزودی ذوق بتجمل ولو کس در آنها بروز کرده مخصوصا بقدری در این راه زیاده روی شد که اغلب مورخین و مردم آنها دلیل شورش اول فرانسه میدانند. در زمان ماری آنتوانت مثل دوره های سابق بالاتنه کاملاً تنگ و چسبیده بدن ولی از سابق بلند تر بود. دامن ها بمنتهای گشادی رسیده بود که دور تا دور فند داشت ولی در پهلوها فنرها خیلی بزرگ بودند بطوریکه تقریباً ۶۰ سانتیمتر لباس را از بدن دوره نگاه میداشتند آستین ها را با تور و حریر تزئین میکردند. یقه ها فوق العاده باز بود بطوریکه مقداری از سینه نمایان بوده کارهای دستی زیادی روی لباس میکردند بطوریکه میگویند در آن زمان تقریباً ۱۵۰ نوع کارهای دستی روی لباسها میکردند و هر کدام هم اسم خاصی داشت مانند ماربوج حاشیه کرده استعمال کردن و امثال آن بعضی هم از لباسهای دودانه زمان لوسی ۱۵ که با اسم لباسهای پولونز معروف بود استفاده

میکردند . مواقعی که ملکه در قصرهای بیلاقی منزل داشت او و تمام زنهای درباری لباسهای دهانی می پوشیدند که از پارچه های نخی بود رنگ های تند و گل و پته های قشنگ داشت .

لباس مردانه در زمان لویی ۱۶ لباسهای مردانه با زمان لویی ۱۵ چندان فرقی نداشت عبارت بود از کت - شلوار - جلیقه - پیراهن سفید با این اختلاف که مجلل تر و پرزنت تر شده بود و رنگهای تند انتخاب میکردند .

موی سر - مرد ها کلاه گیس های رنگی می گذاشتند اما بیشتر آن سفید بود زن ها کلاه گیس های مجلل و بولکله کرد می گذاشتند گاهی بقدری در بالا بستن مو زیاد روی میکردند که حد نداشت و روی موها را با گل - پرند و چیزهای دیگر تزئین میکردند .

کلاه های فانتزی مثل کشتی - سبد گل و امثال آن معمول بود .
کفش - کفش مرد ها بکلی بی پاشنه بود اما زن ها کفش پاشنه بلند می پوشیدند . استفاده از کمرست خیلی رایج بود و زن ها سعی میکردند هر قدر که ممکن است کمر را باریکتر نشان دهند .

” انقلاب فرانسه از ۱۷۸۹ تا ۱۷۹۴ ”

پس از انقراض سلطنت و شروع شورش همانطوریکه در طرز فکر مردم اعتدالی در بین نبود همین قسم در طرز لباس پوشیدن زن ها هم اعتدالی نبود و چون درباری نبود که مرجع تقلید قرار گیرد هر کس بمیل و سلیقه خود لباس می پوشید . میگویند ملکه پس از قتل پادشاه در محبس لباس سیاه ساده ای بتن کرد و تا روزیکه او را بقتل گاه میبردند همان لباس ساده سیاه را بتن داشت ولی سایر زن ها هنوز فکر آرایش و دلربائی را در مغز خود می پرورانیدند و سعی داشتند همیشه خود را قشنگ و فریبنده جلوه دهند .

بعضی زن ها لباسهایی که تازه در آن زمان در انگلیس متداول شده بود می پوشیدند که عبارت بود از یک کت تنگ و بلند که جلوی آن با دکمه بسته میشد و یک دامن تنگ و بلند . بعضی زن ها لباسهایی بتن میکردند که بسبب قدیم یونانی ها بود ولی بهیچوجه مراعات نزاکت را نمی نمودند یقه ها بقدری باز بود

که تمام سینه ها دیده میشد پارچه های لباس بقدری نازک بود که تمام ترکیب بدن نمایان میگشت
 عده ای دیگر بعلامت وطن پرستی پارچه های پرچم را بدور خود می پیچیدند همینطور بی ترتیبی و
 انقلاب دلباس پوشیدن برقرار بود تا زمانیکه بناپارت باسم ناپلئون اول زمام امور را بدست گرفت و
 پادشاه فرانسه شد .

عبارت بود از يك سرداری بلند و یقه برگردان با پیراهن ساد موشلوار تنگ که بچکمه
 لباس مردانه وصل میشد کلاهها ساده و بیشتر مثل بره بود .

دراوایل ظهور بناپارت چون هنوز امپراطوری برقرار نشده بود درباری نبود که بتوان برای آن
 تجمل و عظمتی قائل شد بدینواسطه لباسها ساده بودند و مخالف با اصول و آداب نجابت نبودند
 لباسهای زنانه شباهت بسابق داشت یعنی بالاتنه تنگ و دامنها گشاد بود ولی نه بگشادی سابق
 و بیشتر گشادی دامن درشت سر بود دستمال گردن ژورژت خیلی معمول بود .

زنهارا بلند و بولک میکردند و کلاههای کوچکی که بارویان تزئین میشد بسمیر میگذاشتند .

ناپلئون بناپارت - همینکه امپراطوری جانشین حکومت موقتی گردید فوراً در طرز لباس پوشیدن زنهارا
 تغییرات زیادی محسوس گردید در ایندوره لباسها ازدوره یونانیهای قدیم اقتباس شده بود و لسی
 تنوع زیاد داشته است لباسهای اطلس که دارای نقش و نگارهای زرد و زری و بولک دوزی بود متداول گردید
 پیش قدم مد در ایندوره ژرفین بود و سایر مردم از او تقلید میکردند ناپلئون نیز مجبور بود در طرز
 لباس پوشیدن زنهارا مراقبت نماید چون تجمل دربار برای ژرفین تازگی داشت و ممکن بود که در اینسراهِ
 افراط کند ولی زن دوم ناپلئون ماری لویز بهیچوجه در اینسراهِ افراط نمیکرد .

عبارت بود از يك پیراهن بلند با بالاتنه کوتاه که کمر آن خیلی بالا بود تقریباً زیر سینه
 لباس زنانه دور تا دور آن چین داشت و معمولاً کمر بند پهنی می بستند آستینها گاهی ساده و بلند
 و گاهی کوتاه و یقه بود بقیه دست را بادستکش سفید بلند می پوشانیدند . یقه ها باز بود اما نه بمبازی

زمان قبل • در این دوره کیف دستی متداول بود • فرم دیگری که معمول بود عموماً روی لباس دامن بکمر می بستند که در حقیقت پشت نداشت و بطول يك الي یکمتر ونیم دنباله آن بزمین کشیده میشد بمرشانه لباس قطعه پارچه پلیسه شده* میدوختند •

لباس مردانه عبارت بود از يك كت بلند مثل فراك وشلوار تنگ که کت وشلوار از دورنگ بود شلوار تا پائین زانو میرسید بجوراب یاچکمه وصل میشد با این لباس جلیقه رنگی وپیراهن سفید می پوشیدند •

موی سر - مرد ها موها را کوتاه میکردند وکلاههایی که لبه داشت ولبه جلو و پشت آن بلند تر بود بصر میگذاشتند (مثل کلاه های لباس های رسمی وزراء در امروز) زن ها مو های بلند داشتند یا آنرا در سرمه ریختند و یا آنکه با رویان بشکل دم اسبی درست میکردند زن ها موها را بانیم تاج جواهر و نواری های الوان و گل زینت میکردند •

امپراطوری دوم در زمان امپراطوری دوم دوباره دامن های گشاد مرسوم گردید اما دیگر زبر دامن فتر نمیگذاشتند بلکه يك قسم ژوین های آهاری در زیر لباس می پوشیدند که از موی اسب یا گان آهار زده درست شده بود این قسم لباس در ۱۸۴۶ اول در انگلیس مرسوم گردید و در آران بفرانسه آمد و تقریباً تا ۱۸۶۷ متداول بود سایر قسمتهای لباس عبارت بود از بالاته تنگ و دامن گشاد آستین ها در قسمت بالا گشاد و پف دار بود یقه ها بیشتر گلابی و یا برگردان حریر یا طوری زینت مینمودند در زیر لباس کمرست می بستند که سینه ها بزرگتر و کمر باریکتر بنظر آید •

لباس مردانه عبارت بود از يك ژاکت بلند مانند سرداری و يك شلوار که تقریباً شبیه شلوار مردانه امروزی فقط کمی تنگ تر بود و يك پیراهن سفید بایقه برگرد که با آن دستمال گردن یا پاپیون بنار میبندند •

موی سر - مرد ها موها را کوتاه میکردند وکلاه های لبه داری شبیه بسیلند را بصر میگذاشتند سیل معمول شده بود زن ها موها را با رویان و گل بالا می بستند وکلاه های مختلفی بلند و کوتاه بصر میگذاشتند

ایران بعد از اسلام

از ایران بعد از اسلام مدارك صحیحی در دست نیست چون هم عکس کشیدن معمول نبود و هم زنها حجاب داشتند و بهمرفته مدعرب در ایران نفوذ کرد .

لباس مردانه لباس مردانه عبارت بوده از يك لباده بلند و يك عمامه که کم کم عمامه مبدل به کلاه شد . در زمان نادر شاه و قاجار به مرد ها سرداری بلندی می پوشیدند و روی آن شالی

بکمر می بستند و کلاه بلندی هم بپوشیدند . مرد ها ریش و سیل هم داشتند . در زمان ناصرالدین شاه یکمرتبه مد تغییر کرد بعد از سفر اول ناصرالدین شاه بفرنگ سرداری مرد ها کوتاه تر شد و شلواری بلند می پوشیدند . سرداری بیشتر از جنس ترمه بود . در این موقع مرد ها ریش را می تراشیدند و فقط سیل می گنداشتند . بطور کلی لباس مردانه کمتر در معرض تغییر و تحول بود ضمنا لباس نواحی مختلف با هم فرق داشت . آثاری که از ایران بعد از اسلام باقی مانده بیشتر مربوط به زنان شهرسقا و از اواخر قرن ۱۲ هجری به بعد میباشد که آنرا به ۵ دوره تقسیم کرده اند .

دوره اول از زندیه تا فتحعلیشاه قاجار

دوره دوم از فتحعلیشاه تا مسافرت ناصرالدین شاه بفرنگ

دوره سوم از بازگشت ناصرالدین شاه تا مشروطیت

دوره چهارم از مشروطیت تا ۱۲ دیماه ۱۳۱۴

در این دوره لباس زنانه تاحدی ساده بود و با لباس مردان چندان اختلاف نداشت زنها دوره اول

پیراهن تنگی در بر میکردند که پارچه آن اغلب نخی یا ابریشمی بود . برخلاف پیراهن

مردانه که یقه آن از پهلوی گردن و سرشانه باز و بسته میشد چاک پیراهن زنانه از جلو بود و در زیر

گلو بوسیله روبان یا دکمه آنرا محکم میکردند . روی آن در مواقع احتیاج ارخالق آستین منبوسه یا

کلیجه آستین کوتاه که بلندی دامن آن بر حسب مقتضیات تغییر میکرد از روی پیراهن می پوشیدند .

(۲ دقت)
سنیور



تسديسه

(ا) خالق کت بلندی بود کت نصف بدن را می پوشانید و جلوی آن باز بود دو دکه داشت اما غالباً برای نمودار شدن پیراهن و گردن بند و سینه ریز دکه های آنرا نمی انداختند ارجال آستین بلندی داشت که سردست آن مثلثی شکل یا گلابی بود که بآن سنبله میگفتند معمولاً آستین سنبله را پارچه پرقیمت تر از ارجال انتخاب میکردند اطراف آنرا پراق یا گلایتون دوزی میکردند و بر روی ساعد بر میگردانیدند و گاهی هم آنرا رها می ساختند که از آرنج بطور آزاد آویزان میشد . کلیجه تقریباً میتوان گفت که بجای بالتو بود و گاهی آستری و بقیه آنرا پوست قیمتی میدوختند) .

زنان ایندوره مانند مردان شلوار گشاد بلندی بپا میکردند و روی آن دامن گشاد و بلندی می پوشیدند که بلندی آن تا وسط ساق پا میرسید و مقداری از شلوار وله آن پیدا بود گاهی هم دامن نمی پوشیدند فقط قد پیراهن را بلندتر میگرفتند که تا نزدیک زانو میرسید شلوار آنها از پارچه های رابراه بود که بطور اریب راه آنرا می انداختند لبه آنرا از پارچه ای بزرگ دیگر انتخاب میکردند زنان در ایندوره تیری یا پارچه نازکی روی سر می انداختند و موها را بانیم تاج رشته های مرورید جقه پره های زیبای زینت میکردند گیسوان آنها بلند بود آنها را می بافتند و شست سر را میکردند گاهی هم زیر توری يك كلاهك سرمی گذاشتند و قسمت جلوی كلاهك را مانند ارامنه قدیم نگین دوزی میکردند . بستن بازویندهای جواهر نشان در ایندوره متداول بود آنرا روی پیراهن یا ارجال در قسمت فوقانی بازو می بستند هنگامیکه بخارج از خانه میرفتند روی لباس چادر سیاه یا بنفش یا نیلی تنند بصر میکردند و روی خود را با باربونده محکم میگرفتند .

کفش زنانه در ایندوره نعلین یا ساغری نوک برگشته بود که فقط اندکی از سر انگشتان پا داخل آن قرار میگرفت و بهمرفته کفش ناراحتی بود .



ف. م. ش.
ف. م. ش. قاجار

در این دوره آرایش در سرتاسر ایران بوجود آمده بود چنانچه شاه بتقلید شاهنشاهان
 دیرینه دوم
 قدیم ایران تاج کیانی بر سر گذاشت و ایوان تخت مرمر را بتقلید از طاق کسری و تیسفون
 بوجود آورد اما عمر این مدت بسیار کوتاه بود همین تغییرات هم در لباس بوجود آمد. زنهای بتقلید از
 لباسهای باستانی جامه های بلند می پوشیدند.

تختعلیشاه حرمسرای برای خود ترتیب داد که قسمت اعظم عایدات کشور صرف مخارج اندرون میشد
 رجال مملکت از این وضع تقلید کرده همین وضع را برای عود بوجود آوردند (لباسهای زنان در این دوره
 بلند تر از زمان پیش بود بطوریکه لبه دامن تاروی زمین کشیده میشد چون بلندی دامن باعث میشد که
 شلوار دیده نشود به همین مناسبت شلوار اهمیت خود را از دست داد. دهانه شلوار تنگ تر و زیست
 آنها کمتر شد بطور کلی لباس زنانه در این دوره عبارت بود از یک پیراهن - دامن - شلوار.

پیراهن از ابریشم یا حریر بود یقه آن تاروی ناف چاک داشت در قسمت یقه بوسیله دکمه یا سنگ
 بسته میشد دامن لباس تقریباً دایره مانند و فندار حاشیه پائین آنرا بایراق و گلابتون تزئین میکردند
 قسمت بالای دامن در کمر را عموماً با کمربند از پوست که روی آنرا با پارچه ابریشمی که گلدوزی شده بود
 میپوشانیدند و قسمت جلوی آنرا با قلاب باگل کمری که از طلا یا نقره و جواهر بود محکم میکردند در این موقع
 هنوز چادر نماز متداول نشده بود مانند دوره های قبل توری و کلاهک بر سر می گذاشتند و کیمسها را روی
 شانه و پشت سر میریختند در انتهای کیمسها جواهر یا مروارید نصب میکردند طره های کیمسها که بر روی
 گونه یا گوشها می افتاد حلقه کرده بصورت دالبرد ریخته بودند عرق چین یا نیمه تاجی بر سر می گذاشتند که دارای
 اشکال گوناگون و قیمت آن بسته بشئون و ثروت صاحب آن داشت برخی نیز شال کشمیری یا پارچه ای
 نازک قیمتی بر سر می بستند و دنباله آنرا مانند توری پشت سرها میکردند در بیرون از خانه سرای خود را
 در چادر بزرگ مشکی یا بنفش حاشیه دار می پوشانیدند و چاقچور هم بپا میکردند و روئنده سفید و مقابل
 صورت میکشیدند که بلندی آن تا نزد یک زانو میرسید و در پشت روئنده قلاب جواهر یا طلا می گذاشتند بعضی
 از زنانها بجای روئنده نقاب بصورت می گرفتند کفش نیز مانند دوره های پیش راحتی نعلین سافری نوک برگشته بود



چادر و روبند

در این دوره لباس زنانه تغییر زیادی پیدا کرد چون ناصرالدین شاه در سفری که بمسکونمود از لباس بالرنه‌های آنجا بی نهایت خوشش آمد و وقتی که بایران بازگشت دستور داد که

زنان لباسی نظیر آن تهیه کنند .

لباس زنان در آن زمان عبارت بود از :

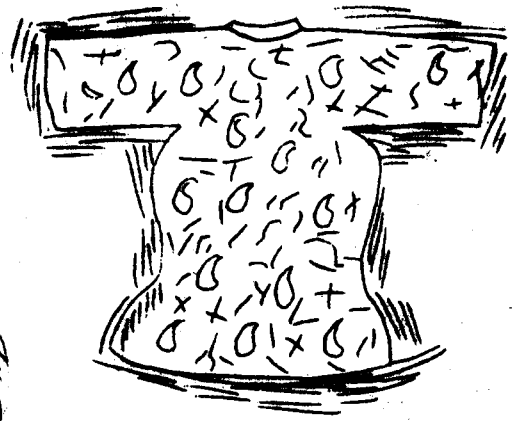
۱- پیراهن مثل سابق اما کوتاه و تنگ جنس آن از لمل یا گاز بوم و روی آن زرد و زی میگردند (سینه و ستانها از زیر آن نمایان بود) آستینهای پیراهن بلند بود تا چ دست میرسید بادکمه های رزی باز و بسته میشد .

۲- روی پیراهن ارخالق بتن میگردند . در زمستان روی ارخالق کلیجه می پوشیدند که بجای پالتو بود .

۳- تنبان لباس پائین تنه یا زیر جامه زنان را تنبان می نامیدند و معمولا جنس آن از زری مخمل تافته - ترمه یا تورنقره دوزی بود تنبان پارچه ای بود بعرض تقریبا ۳ وج و طول ۴ متر آنرا آستر می کردند در بالای آن لیفه می گذاشتند و بند تاییده ای از آن رد می کردند پائین تنبان را یراقمید و ختند وسط آنرا بطور مثلثی شکل بهم متصل می کردند چون آنرا می پوشیدند بند آنرا کشید محکم می کردند و بطور مرتب چین ها را روهم قرار میدادند برای اینکه چتری بایستد گاهی فنرهائی در آستر آن می گذاشتند یا آنکه زیر آن زیر تنبانیهای آهار زده می پوشیدند تعداد زیر تنبانیها گاهی یده تا میرسید معمولا بلندی تنبان در جوانها هیچگاه بسر زانو نمیرسید و از زانو پائین نشانه پیری بود .

۴- شلیته خانمها از زیر تنبان اضافه بر زیر تنبانیها یک دامن کوتاه پرچین دیگری بنام شلیته می پوشیدند که جنس آن بیشتر از جلوار گاهی مخمل قوس و قزح و در طبقات پائین اکثرا از چیت بود شلیته را بعضی از زنهای بانخ قرمز مشکی دست دوزی می کردند تا اگر گوشه آن از زیر تنبان نمایان شد قشنگ باشد در دوره های بعد که تنبان منسوخ شد شلیته را باشلوار مشکی می پوشیدند .

۵- شلوار در ابتدا زنهای در آن زمان همین تنبان و شلیته را می پوشیدند و آنها وساق پا عریان



- ۱- پیرامن
- ۲- روضه پیرامن ارجاقل
- ۳- تنیان
- ۴- غلجیه
- ۵- شلوار
- ۶- جراب
- ۷- کفش - جرمه کمر کمانک
- ۸- چارقه
- ۹- آستر سرور

عهد ناصرالدین شاه



بود بعد شلوار کسی بافته سفید زیر تنبان می پوشیدند و آنرا تنگه و تنبان می گفتند که تد ریجا جای خود را بشلوار مشکی بلند داد .

۶ - جوراب: بجزد رزمستان خانمها در خانه پابرهنه بودند و جوراب نمی پوشیدند کم کم از جوراب دستباف و بعد از جورابهای ماشینی استفاده کردند .

۷ - کفش: قبل از اینکه کفشهای اروپائی متداول شود کفش زنان همان نعلین ساغری و امثال آن بود کم کم کفشهای چرمی مشکی مرسوم شد عده ای هم گالش پیا میکردند .

۸ - چارقد: همانطور که گفته شد در دوره فتحعلیشاه چارقد معمول نبود اما در این دوره جز لباس شده بود و آن عبارت بود از یک پارچه توری نازک یا ململ یا وال و امثال آن که مربع بود آنرا از وسط تا میکردند بشکل مثلث شده سپس آنرا از وسط بر روی سر می انداختند و زیر گلو تنگ گرفته باسنجاق به هم وصل میکردند کم کم چارقد قالبی مرسوم شد که آنرا آهار کمی میزدند بعضی از زنهای روی چارقد یک دستمال بزرگ ابرشمنی می پیچیدند که موهای پیشانی هم از زیر چارقد پیدا نباشد بآن کلاهی می گفتند .

در اواخر سلطنت ناصرالدین شاه ارخالق و تنبان منسوخ شد نیم تنه و جاد رنماز کمری جای آنرا گرفت نیم تنه آستینهای تنگی داشت که بآن آستین شمشیری می گفتند یقه آن برگردان بود بجای ارخالق برای پوشانیدن قسمت بالای بدن بکار میرفت .

جاد ر کمری پارچه نیم دایره کوتاهی بود از جنس نیم تنه که بکمر می بستند تا پشت پا میرسید و بجای دامنه های بلند سابق و تنبان کوتاه معمول شده بود جنس نیم تنه و جاد ر کمری از زری - مخمل - ترمه - اطلس - مادام انتخاب میکردند . جاد ر را باد که و مادگی یا سنجاق بکمر می بستند و تکیه زنسان میخواستند از خانه خارج شوند جاد ر بسر میکردند بپاها چاقچور می پوشیدند روی صورت روئسده می انداختند .

آرایش صورت و مو - در این دوره چشم هارا با سرمه درشت و گوشه دار کرده ابروان را باوسه پرنسنگ

میکردند خالی نیز بر روی گونه یا بالای لب میگذاشتند لب هارا با کمی سرخاب پررنگ تر میکردند گاهی سایه ای پشت لب مثل سیل میکشیدند موادی که برای خود آرائی بکار میبردند عبارت بود از حنا - سرمه - وسمه - سرخاب - سفیداب - زرك - غالبه و همه آنها را در جعبه قرار میدادند موها را با رنگ و حنا کاملاً مشکی و درخشان میکردند فرقی از وسط باز کرده قسمتی از موها را بطرف راست و قسمتی را بطرف چپ میانداختند قسمتی از موها را در طرف صورت قرار داده بآن طره میگفتند گاهی هم چتر زلف میگذاشتند گیس را برشته های زیاد بافته انتهای آنها بانوار یا مروارید زینت میدادند در اوایل خانمها در خانه عرقچین گلدوزی بسر میگذاشتند پس از آنکه چاقو مدت اول شد این طرز زینت سر متروک شد .

زنها از جواهرات مثل دستبند سینه ریز گردن بند انگشتر استفاده میکردند ناخن هارا با حنا رنگ میکردند بپا خلخال میکردند .

دوره چهارم
 تد رجا بعد از مشروطیت عده ای از زنان خارجی که با زنان ایرانی معاشرت داشتند از لباس و وضع آنها تقلید کردند باین طریق زنان ایرانی با طرز البسه اروپائی آشنا شده و تغییراتی در لباس خود دادند بعد از مشروطیت تحولات مهمی در زندگی ایرانیان داده شد مدارس دخترانه دایر گردید کم کم پیراهن و شلیته و شلوار و جاد رکمری جای خوربا به پیراهن بلند يك تیکه داد کم کم کت و دامن و لباسهای مد اروپائی متداول گشت چاقچور در میان جوانها بکلی از بین رفت جای خود را بجورابه های ساقه بلند داد . لباس زنهاد ر خارج عبارت بود از جاد روشکی و بیسجه .

اما زنهای مسن باز بهمان طریق سابق لباس می پوشیدند .

دوره پنجم . از ۱۳۱۴ تا با امروز: در ۱۷ دیماه ۱۳۱۴ بامر اعلیحضرت فقید رضاشاه کیسرس جاد روییچه از بین رفت وزنان ایرانی مانند زنان ملل متمدن بدون جاد در اجتماعات ظاهر شدند عده ای دیگر از مردم ایران که زرتشتیان بودند طرز لباس پوشیدنشان با ایندسته فرق داشت .

لباس زرتشتیان قدیم

لباس زرتشتیان قدیم از قطعات سبز - زرد - قرمز تهیه میشد پارسیان عقیده داشتند سه رنگ

لباس علامت پرچم ایران در زمان قدیم بوده است. لباس زنانه عبارت بود از يك پیراهن راسته بسا

آستین بلند که لبه آستین را گاهی یراق میدوختند یقه پیراهن از قسمت جلو و عقب باز بود و چاک آن

از قسمت جلو تا محاذی پستانها ادامه مییافت در زیر پیراهن شلوار بلندی از رنگهای مختلف میپوشیدند

که مچ آن چین دار و بسته بود برای پوشانیدن سر ابتدا لچکی از زری بسر میکردند که بوسیله دو بند

بزرگ و بسته میشد روی لچك يك مكو (Maknow) بطریق زیر بسر میکردند .

مکو پارچه ای بود ابریشمی که با گلابتون بافته میشد طول آن ۳ متر بود و آنرا طوری روی سر

قرار میدادند که وسط آن زیر چانه قرار گیرد ابتدا گوشه چپ را روی سر برده بلچك سنجاق میکردند

سپس قسمت راست را روی قسمت چپ برده سنجاق میکردند عرض پارچه روی سینه را میپوشانیدند

بقیه پارچه در پشت سر آویزان بود و تا مچ پا میرسید موها در زیر مکو پوشانیده میشد و فقط گردی صورت

پیدا بود روی مکو چارقد می بستند و آن عبارت بود از پارچه چهار گوش که آنرا از وسط تا میکردند تا

بصورت مثلث در آید سپس آنرا مانند عمامه بدور سر می بستند و گوشه های آنرا از پشت سر روی شانها

میانداختند روی چهارقد يك پیش سری از طلا یا نقره که سه چنگک داشت میاورید و میبختند .

در مواقع سرما روی پیراهن يك قبای زری برتن میکردند که آستین های بلندی داشت در قسمت

جلو باد که در ناحیه کمر بسته میشد .

لباس مردانه تقریباً شبیه به لباس دهاتیها بود و آن عبارت بود از شلوار گشاد و قبای بلند
لباس مردانه

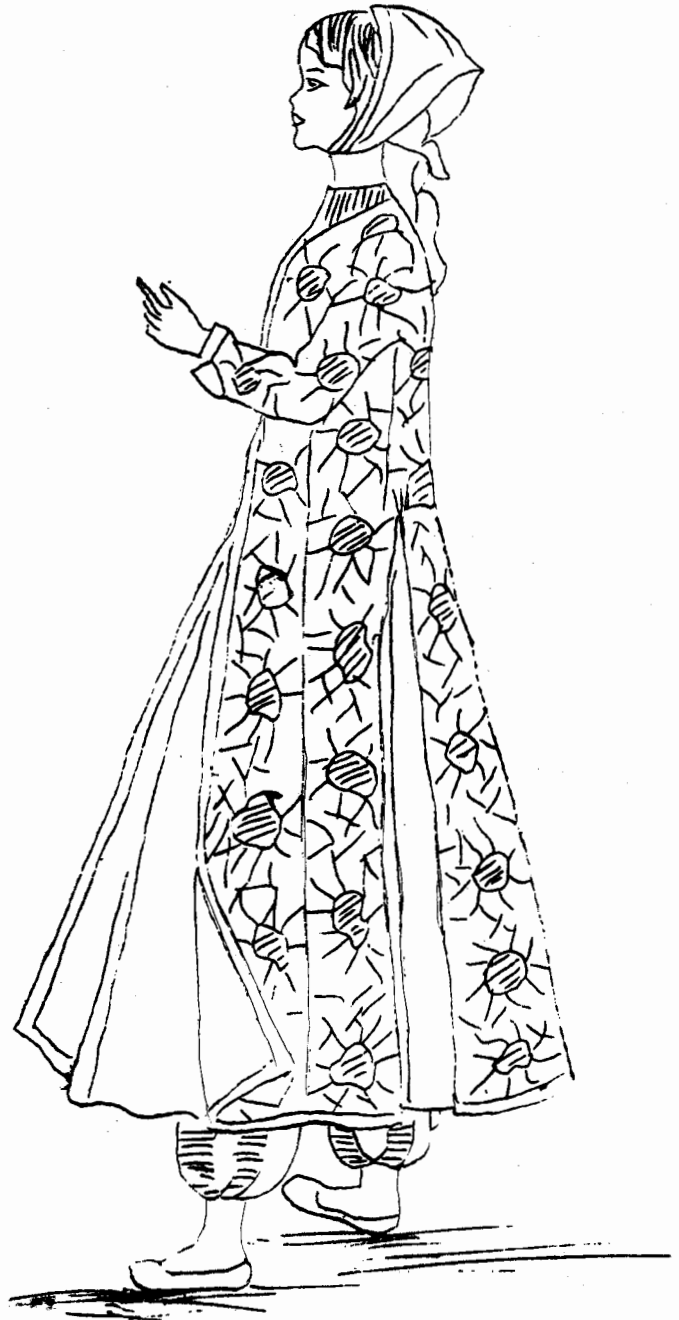
مردان زرتشتی لباس سفید برتن میکردند . بعضی لباسها مربوط به آداب و رسوم

دستی زرتشتیان است و در مواقع بخصوصی از آن استفاده میکردند مثل نیام - سدره و کشتی .



لباس کامل
زمان زرتشتیان

لباس زرتشتیان





لباس زرتشتیان (مکرو)

نیام عبارت از يك تيكه پارچه سفیدی که بر روی دهان می‌آویختند و باد و نوار به پشت سر
 نهام
 گره میزدند تقریباً شبیه روپند این پرده كوچك یا نقاب وقتی بكار میبردند که مو بسد
 در مقابل آتش مقدس اوستا میسرود. بكار بردن نیام برای اینست که نفس و بخار دهان به عنصر مقدس
 (آتش) نرسد نیام از لوازم نیایش بود.

گشتی بمعنای گمرند مخصوص زرتشتیان است و عبارت بود از ۷۲ نخ از ششم گوفتند
 گشتی
 و بایستی بدست زن مو بهد بافته شود ۷۲ نخ به ۶ رشته تقسیم میشود و هر رشته سه
 دارای ۱۲ تار است ۷۲ نخ گشتی مظهر ۷۲ فصل یسناست که مهمترین قسمت اوستا میباشد
 ۱۲ تار اشاره به ۱۲ ماه سال و ۶ قسمت اشاره به ۶ عید دینی در هر سال است. گشتی را ۳ دور
 دور گمر می‌بندند هر زرتشتی از ۷ سالگی موظف است گشتی ببندد البته هر دور گشتی را که بدور گمر
 می‌بستند گره هم میزدند و هر گره هم معنی خاصی دارد.

پیراهنی است سفید و گشاد که تا بعد زانو میرسد بی‌یقه با آستین‌های کوتاه
 سدره
 چاک در وسط دارد که تابانتهای سینه میرسد در آخر آن چاک کیسه کوچکی دوخته
 شده است این کیسه نشان گنجینه است از پندار نیک - گفتار نیک - رفتار نیک.

معمولاً هر زرتشتی از ۷ سالگی گشتی می‌بندد اما از ۱۵ سالگی ببعد پوشیدن سدره و بستن گشتی
 واجب است.

رسم گشتی بستن و سدره پوشیدن تا با امروز بین زرتشتی‌ها اعم از سرود دختر مرسوم است.
 نقش لباس زنان زرتشتی از روی لباسهای یکی از خانواده‌های قدیمی ایران تهیه شده است
 معلوم نیست از چه زمانی در میان زرتشتیان معمول شده است.

طرز لباس پوشیدن در شروع دوره معاصر روی يك اصول صحيح برقرار نشده بود و اتصال در تعبير و تبدیل بود مثلاً در ۱۸۷۲ هنوز لباسهای مجلل با آستین های گشاد و دامنه های پرچین دیده میشد ولی کم کم احتیاجات روزانه زنهارا وادار نمود که لباسهای نسبتاً ساده بپوشند و لباسهای مجلل را برای شب و مجالس مهمانی اختصاص دهند. در چا مد لباس سال بسال تغییر کرد و در حقیقت نمیتوان مانند دوره های گذشته معین نمود در هر زمانی چه سبك لباس می پوشیدند مثلاً در ۱۸۸۴ لباسهای مرسوم گشته بود که بسبك لونی ۱۵ بود در ۱۸۸۷ از لباسهای زمان هانری دوم اقتباس شده بود در ۱۸۹۰ بیشتر بسبك لونی ۱۴ لباس می پوشیدند در ۱۸۹۳ لباس ها از دوره های پیش تقلید شده بود کم کم کت و دامن مرسوم شد تقریباً میتوان گفت از قرن ۲۰ بعد يك قاعده کلی برقرار شد و معین گردید که زنهارا در مواقع مختلف چه قسم لباس باید بپوشند امروز تمام ممالك از این قوانین کم و بیش پیروی میکنند . ایرانیها نیز از این قوانین پیروی میکنند .

زنها لباسهای شبیه کت و دامن لباسهای که از ارچه کتانی - نخ و شمش درست میشود مخصوص صبح است در ساعات عادی روز توالی زیاد و زینت آلات زیاد معمول نیست از ساعت ۵ بعد از ظهر به بعد بیشتر لباسهای ابرشمن برش های پرچین و منهای مخصوص رقه ساز پوشیده میشود با این لباس توالی بیشتری کرده و زینت آلات بکار میبرند .

لباسهای بلند دکلته بدون آستین مخصوص مهمانیهای بزرگ و عروس میباشد برای مردها نیز در طرز لباس پوشیدن قاعده و قوانین معینی برقرار شده است .

مردها در مواقع عادی روزگت و شلواری رنگهای خاکستری کرم رنگهای روشن ترم پوشند برای مهمانی باید رنگ لباس تیره تر باشد .

در مهمانیهای شام و شب نشینی در نوع لباس متداول است یکی اسموگینگ و دیگری فراک .

اسموکینگ

کت و شلوار معمولی سیاه است که یقه آن اطلس دارد و پهلوی شلوار از بالا تا پائین نیز يك نوار اطلس درد و طرف دارد با اسموکینگ پیراهن سفید و پاپیون سیاه معمول است.

فراك

لباس دیگری که برای مجالس مفصل تراست و آن عبارتست از يك سرداری که جلوی آن کوتاه و پشت آن بلند است ، شلوارش مثل همان شلوار اسموکینگ میباشد . با فراك پیراهن سفید - جلیقه سفید و پاپیون سفید بکار میبرند ، با اسموکینگ و فراك باید کفش برقی مشکی پوشید لباس دیگری که مردان در موقع رسمی برای شرفیابی بحضور اعلی حضرت یا تشریفات دیگر می پوشند زاکت گویند .

زاکت عبارتست از سرداری بلندی که جلوی آن کوتاه و پشت آن بلند است با زاکت شلوار راه راه سیاه و سفید و پیراهن سفید و کراوات سیاه و سفید بکار میبرند . در این موقع کلاه سیلندر میگذارند که کلاهی است بلند بالبه کوتاه از اطلس مشکی ، کفش و جوراب مشکی ، دستکش سفید است .

xxxxx